A PRACTICAL PERSIAN GUIDE

راهنمای جامع اسامی قابل‌شمارش و غیرقابل‌شمارش

قواعد، واژگان دسته‌بندی‌شده، مثال‌های دوزبانه، نکات و تمرین با پاسخ

Countable & Uncountable Nouns in English

C

U

C / U

CharbZaban.com

ویژهٔ زبان‌آموزان فارسی‌زبان • 1,709 مدخل واژگانی و نکتهٔ ثبت‌شده • 120 تمرین

دربارهٔ این راهنما و روش استفاده

این کتاب برای یادگیری واقعی، نه فقط حفظ‌کردن فهرست، طراحی شده است. ابتدا الگوها را بیاموزید، سپس با واژه‌نامه و تمرین‌ها آن‌ها را تثبیت کنید.

محدودهٔ کتاب

زبان انگلیسی زنده است و هیچ فهرست محدودی نمی‌تواند «تمام» اسامی آن را برای همیشه شامل شود؛ واژه‌های تازه، تخصصی و کاربردهای منطقه‌ای دائماً افزوده می‌شوند. این راهنما بیش از 1709 مدخل آموزشی و واژگانی پرکاربرد را پوشش می‌دهد و مهم‌تر از آن، روش تشخیص موارد تازه را آموزش می‌دهد.

علائم اختصاری

علامت	معنی	نمونه
C	countable؛ قابل‌شمارش	a book, two books
U	uncountable؛ غیرقابل‌شمارش	some water, much information
C/U	بسته به معنی، هر دو نوع	some paper / a paper
pl.	plural؛ جمع	children
sing.	singular؛ مفرد	a child
BrE	انگلیسی بریتانیایی	luggage, trousers
AmE	انگلیسی آمریکایی	baggage, pants

ترتیب پیشنهادی مطالعه

1. فصل‌های ۱ تا ۳ را کامل بخوانید و قاعدهٔ تعیین‌کننده‌ها را یاد بگیرید.
2. در فصل‌های ۴ و ۵، هر روز یک دسته را مرور کنید؛ واژه را با معنی، جمع یا واحد شمارش حفظ کنید.
3. فصل ۶ را با دقت بخوانید؛ بسیاری از خطاها از تغییر معنی واژه میان C و U ناشی می‌شود.
4. تمرین‌های فصل ۱۱ را بدون نگاه‌کردن به پاسخ‌ها انجام دهید و خطاها را دوباره بنویسید.

قاعدهٔ طلایی

شمارش‌پذیری ویژگیِ «معنیِ واژه در همان جمله» است، نه برچسب جاودانهٔ خود واژه. بنابراین همیشه مثال و فرهنگ لغت را نیز بررسی کنید.

CharpZaban.com

فهرست مطالب

۱. مفهوم و تشخیص سریع 4

۲. حروف تعریف و تعیین‌کننده‌ها 4

۳. جمع‌بندی و تطابق فعل 6

۴. واژه‌نامهٔ اسامی قابل‌شمارش 9

۵. واژه‌نامهٔ اسامی غیرقابل‌شمارش 40

۶. واژه‌های دوجنسه C/U 54

۷. واحدهای شمارش 58

۸. حالت‌های ویژه و اسامی جمعی 61

۹. خطاهای رایج فارسی‌زبانان 64

۱۰. کاربرد در گفتار و نوشتار 67

۱۱. تمرین‌های جامع 69

۱۲. پاسخ‌نامه 74

ضمیمه: مرور یک‌صفحه‌ای و برنامهٔ یادگیری 78

Charbzaban.com

۱. مفهوم و تشخیص سریع

اسم قابل‌شمارش چیزی را نام می‌برد که می‌توانیم واحدهای جدا و مشخص آن را بشماریم. اسم غیرقابل‌شمارش معمولاً ماده، مفهوم، فعالیت یا مجموعه‌ای را به‌صورت یک کل نام می‌برد.

ویژگی	Countable (C)	Uncountable (U)
شمردن مستقیم	one book, two books	نه: two waters در معنی عمومی
حرف a/an	با مفرد: a chair	معمولاً نه: a furniture
جمع s/es	books, chairs	معمولاً نه: informations
فعل با مفرد	The book is…	The water is…
some/any	some books / any books	some water / any water
many/much	many books	much water
few/little	few books	little water
a few/a little	a few books	a little water

سه آزمون سریع

1. **آزمون عدد:** آیا می‌توان گفت two/three + noun؟ اگر بله، در آن معنی C است.
2. **آزمون a/an:** آیا می‌توان از a/an با مفرد استفاده کرد؟ اگر بله، C است.
3. **آزمون many/much:** آیا many + جمع طبیعی است یا much + مفرد؟ این آزمون به تشخیص C/U کمک می‌کند.

I have a book. / I have two books.

من یک کتاب دارم. / من دو کتاب دارم.

book هر دو آزمون را می‌پذیرد؛ پس C است.

I need some information. / I need a piece of information.

به اطلاعاتی نیاز دارم. / به یک مورد اطلاعات نیاز دارم.

information خودش a یا جمع نمی‌گیرد؛ پس U است.

چرا فارسی‌زبانان دچار خطا می‌شوند؟

در فارسی می‌گوییم «یک اطلاعات» یا «دو نان» را در ذهن به واحدهای جدا تقسیم می‌کنیم، اما انگلیسی لزوماً همان دسته‌بندی را ندارد. از سوی دیگر، برخی واژه‌ها مانند experience با تغییر معنی از U به C تبدیل می‌شوند. ترجمهٔ تحت‌اللفظی معیار قابل‌اعتمادی نیست.

نکتهٔ مهم

بین «تعداد داشتن در جهان» و «قابل‌شمارش بودن در دستور» تفاوت بگذارید. موی سر را می‌توان از نظر فیزیکی شمرد، ولی hair در معنی مجموعهٔ موها U است: Her hair is long.

CharbZaban.com

۲. حروف تعریف و تعیین‌کننده‌ها

انتخاب تعیین‌کننده یکی از مطمئن‌ترین راه‌های ساختن جملهٔ درست است. ابتدا C یا U بودن معنی را تشخیص دهید، سپس مفرد یا جمع بودن و مثبت/منفی بودن جمله را بررسی کنید.

تعیین‌کننده	با چه اسمی؟	مثال	نکته
a / an	C مفرد	a book, an apple	فقط مفرد؛ an پیش از صدای واکه‌دار.
the	C مفرد/جمع و U	the book, the books, the water	برای مشخص و معین؛ مستقیماً نوع شمارش را نشان نمی‌دهد.
∅ (بدون حرف)	C جمع و U، معنی عمومی	Books are useful. Water is essential.	با C مفرد معمولاً نمی‌توان ∅ داشت.
some	C جمع و U	some books, some water	بیشتر مثبت؛ در پیشنهاد/درخواست سؤالی نیز.
any	C جمع و U	any books, any water	غالباً منفی و سؤال؛ معنی «هر» نیز ممکن است.
many	C جمع	many books	به‌ویژه سؤال و منفی؛ در رسمی مثبت هم.
much	U	much water	در جملهٔ مثبت روزمره اغلب a lot of طبیعی‌تر است.
a lot of / lots of	C جمع و U	a lot of books/water	محاوره و رایج؛ با فعل اسم بعد از of تطابق کنید.
plenty of	C جمع و U	plenty of books/time	یعنی مقدار کافی و بیش از نیاز.
a few	C جمع	a few books	چند تا؛ لحن مثبت.
few	C جمع	few books	تقریباً هیچ/خیلی کم؛ لحن منفی.
a little	U	a little water	کمی؛ لحن مثبت.
little	U	little water	تقریباً هیچ/خیلی کم؛ لحن منفی.
several	C جمع	several books	چندین؛ معمولاً بیش از دو ولی نه زیاد.
a couple of	C جمع	a couple of books	دو تا یا تقریباً دو تا.
a number of + pl.	C جمع	A number of students are…	فعل جمع.
the number of + pl.	C جمع	The number of students is…	فعل مفرد چون فاعل number است.
an amount of	U	an amount of money	با people/books نگویید.
a great deal of	U	a great deal of work/time	رسمی‌تر از a lot of.
fewer	C جمع	fewer people/books	کمتر از، برای شمارش‌پذیرها.
less	U	less water/time	less people در محاوره شنیده می‌شود ولی fewer معیار است.
each / every	C مفرد	each student, every book	بعد از آن اسم مفرد و فعل مفرد.
all	C جمع و U	all students, all water	با C مفرد فقط ساختارهای خاص.
both	C جمع دو تایی	both books	فعل جمع.
enough	C جمع و U	enough chairs/time	پیش از اسم می‌آید.
most	C جمع و U	most people/information	اغلب؛ most of the… برای گروه مشخص.
no	C مفرد/جمع و U	no book, no books, no water	خودش منفی است؛ با not دوباره منفی نسازید.

Omid Zaban.com

a یا an؟ صدا مهم است، نه حرف

درست	دلیل
a university	صدای آغازین /j/ مثل y است.
an hour	h بی‌صداست و کلمه با صدای واکه شروع می‌شود.
a European country	آغاز با صدای /j/.
an MBA	تلفظ حرف M با /e/ شروع می‌شود.

few در برابر a few؛ little در برابر a little

I have a few friends, so I’m not lonely.
چند دوست دارم، پس تنها نیستم.
a few = مقدار کمی ولی مثبت و کافی.

I have few friends here.
اینجا تقریباً دوستی ندارم.
few = کمّیت ناکافی، لحن منفی.

We have a little time; let’s have tea.
کمی وقت داریم؛ بیا چای بنوشیم.
a little = مقداری هست.

We have little time; hurry up.
تقریباً وقتی نداریم؛ عجله کن.
little = خیلی کم، لحن منفی.

اشتباه پرتکرار

a lot of با هر دو نوع اسم می‌آید، اما فعل بعدی با اسم تطابق دارد: A lot of books are… / A lot of water is…

CharbZaban.com

۳. جمع‌بندی و تطابق فعل

قواعد اصلی ساختن جمع

قاعده	مفرد → جمع	نکته
معمولاً +s	book → books; car → cars	رایج‌ترین قاعده.
s, x, z, ch, sh +es	bus → buses; box → boxes; watch → watches	برای خواندن آسان‌تر.
y پیش‌آمده با همخوان	city → cities; baby → babies	y به i تبدیل و es می‌گیرد.
y پیش‌آمده با واکه	day → days; key → keys	فقط s.
برخی f/fe	knife → knives; leaf → leaves	همه نیستند: roof → roofs.
برخی o	potato → potatoes; hero → heroes	اما photo → photos; piano → pianos.
نامنظم	child → children; man → men	باید جدا یاد گرفته شوند.
مفرد و جمع یکسان	sheep → sheep; series → series	عدد و فعل معنی را روشن می‌کنند.

جمع‌های نامنظم و دشوار

مفرد	جمع	معنی
child	children	کودک
person	people / persons (رسمی)	شخص
man	men	مرد
woman	women	زن
foot	feet	پا
tooth	teeth	دندان
goose	geese	غاز
mouse	mice	موش
louse	lice	شپش
ox	oxen	گاو نر
die	dice	تاس
analysis	analyses	تحلیل
basis	bases	مبنا
crisis	crises	بحران
thesis	theses	پایان‌نامه/گزاره
hypothesis	hypotheses	فرضیه
phenomenon	phenomena	پدیده
criterion	criteria	معیار
datum	data	داده
medium	media / mediums	رسانه/واسطه
index	indexes / indices	فهرست/شاخص
appendix	appendixes / appendices	پیوست

CharZaban.com

formula	formulas / formulae	فرمول
curriculum	curricula / curriculums	برنامه درسی
memorandum	memoranda / memorandums	یادداشت رسمی
sheep	sheep	گوسفند
deer	deer	گوزن
fish	fish / fishes	ماهی
species	species	گونه
series	series	مجموعه
aircraft	aircraft	هواپیما
crossroads	crossroads	چهارراه
means	means	وسیله
offspring	offspring	فرزند/نسل
knife	knives	چاقو
wife	wives	همسر زن
life	lives	زندگی/جان
leaf	leaves	برگ
half	halves	نیم
wolf	wolves	گرگ
shelf	shelves	قفسه
thief	thieves	دزد
loaf	loaves	قرص نان
potato	potatoes	سیب‌زمینی
tomato	tomatoes	گوجه‌فرنگی
hero	heroes	قهرمان
echo	echoes	پژواک
photo	photos	عکس
piano	pianos	پیانو
radio	radios	رادیو
roof	roofs	سقف
chief	chiefs	رئیس

تطابق فاعل و فعل

ساختار	نمونه	دلیل
C مفرد	The book is new.	فعل مفرد.
C جمع	The books are new.	فعل جمع.
U	The information is new.	همیشه در کاربرد U فعل مفرد.
C مفرد/U + there	There is a problem / some water.	.is
C جمع + there	There are two problems.	.are
a pair of + جمع‌شکل	This pair of shoes is new.	فاعل pair مفرد است.
a number of + جمع	A number of students are here.	یعنی چند دانشجو.

CharZaban.com

the number of + جمع	The number of students is high.	یعنی تعداد دانشجویان.

در جست‌وجوی جمع دقیق

واژه‌های وام‌گرفته از لاتین و یونانی ممکن است بیش از یک جمع داشته باشند یا در متون علمی الگوی خاص بگیرند. در نوشتار دانشگاهی، سبک رشته و فرهنگ لغت تخصصی را بررسی کنید.

CharbZaban.com

۴. واژه‌نامهٔ اسامی قابل‌شمارش

1101 مدخل در این فصل آمده است. ستون سوم جمع را نشان می‌دهد؛ برای عبارت‌های چندکلمه‌ای، آخرین اسم اصلی جمع می‌شود.

۴.۱ افراد، خانواده و روابط People, family & relationships

Two people are waiting outside.
دو نفر بیرون منتظرند.
people جمع طبیعی person است.

اسم (C)	معنی	جمع
person	شخص	people
man	مرد	men
woman	زن	women
child	کودک	children
baby	نوزاد	babies
boy	پسر	boys
girl	دختر	girls
adult	بزرگسال	adults
teenager	نوجوان	teenagers
infant	شیرخوار	infants
toddler	کودک تازه‌راه‌افتاده	toddlers
parent	والد	parents
father	پدر	fathers
mother	مادر	mothers
son	پسرِ خانواده	sons
daughter	دخترِ خانواده	daughters
brother	برادر	brothers
sister	خواهر	sisters
sibling	خواهر یا برادر	siblings
twin	دوقلو	twins
grandfather	پدربزرگ	grandfathers
grandmother	مادربزرگ	grandmothers
grandparent	پدربزرگ یا مادربزرگ	grandparents
grandchild	نوه	grandchildren
grandson	نوهٔ پسر	grandsons
granddaughter	نوهٔ دختر	granddaughters
uncle	عمو، دایی، عمه‌زار یا خاله‌زار	uncles
aunt	عمه، خاله، زن‌عمو یا زن‌دایی	aunts
cousin	فرزند عمو، دایی، عمه یا خاله	cousins

Charbzaban.com

nephews	برادرزاده یا خواهرزادهٔ پسر	nephew
nieces	برادرزاده یا خواهرزادهٔ دختر	niece
husbands	شوهر	husband
wives	همسر زن	wife
spouses	همسر	spouse
partners	شریک زندگی یا همکار	partner
fiancés	نامزد مرد	fiancé
fiancées	نامزد زن	fiancée
brides	عروس	bride
grooms	داماد	groom
relatives	خویشاوند	relative
ancestors	جد یا نیا	ancestor
descendants	نسل یا فرزند یک فرد	descendant
neighbours	همسایه	neighbour
friends	دوست	friend
acquaintances	آشنای سطحی	acquaintance
colleagues	همکار	colleague
classmates	هم‌کلاسی	classmate
roommates	هم‌اتاقی	roommate
housemates	هم‌خانه	housemate
teammates	هم‌تیمی	teammate
guests	مهمان	guest
hosts	میزبان	host
visitors	بازدیدکننده	visitor
strangers	غریبه	stranger
passers-by	رهگذر	passer-by
customers	مشتری	customer
clients	موکل یا مشتری سازمانی	client
patients	بیمار	patient
passengers	مسافر	passenger
pedestrians	عابر پیاده	pedestrian
drivers	راننده	driver
riders	سوارکار یا سوار دوچرخه/موتور	rider
cyclists	دوچرخه‌سوار	cyclist
tourists	گردشگر	tourist
travellers	مسافر	traveller
immigrants	مهاجر ورودی به یک کشور	immigrant
emigrants	مهاجر خروجی از یک کشور	emigrant
citizens	شهروند	citizen

CharbZaban.com

resident	ساکن	residents
inhabitant	اهل یک مکان	inhabitants
native	بومی	natives
volunteer	داوطلب	volunteers
member	عضو	members
leader	رهبر	leaders
follower	پیرو	followers
enemy	دشمن	enemies
rival	رقیب	rivals
opponent	حریف	opponents
hero	قهرمان	heroes
victim	قربانی	victims
witness	شاهد	witnesses
suspect	مظنون	suspects
criminal	مجرم	criminals
thief	دزد	thieves
robber	سارق	robbers
prisoner	زندانی	prisoners
refugee	پناهنده	refugees

۴.2. مشاغل و نقش‌های حرفه‌ای Jobs & professional roles

She is an engineer and he is a teacher.

او مهندس است و او معلم است.

برای شغل مفرد از a/an استفاده می‌کنیم.

اسم (C)	معنی	جمع
teacher	معلم	teachers
student	دانش‌آموز یا دانشجو	students
pupil	دانش‌آموز	pupils
professor	استاد دانشگاه	professors
lecturer	مدرس دانشگاه	lecturers
tutor	معلم خصوصی	tutors
instructor	مربی	instructors
trainer	مربی آموزشی	trainers
coach	مربی ورزشی	coaches
headteacher	مدیر مدرسه	headteachers
principal	مدیر مدرسه یا دانشکده	principals
dean	رئیس دانشکده	deans
librarian	کتابدار	librarians

CharbZaban.com

scientists	دانشمند	scientist
researchers	پژوهشگر	researcher
scholars	پژوهشگر یا دانشمند	scholar
engineers	مهندس	engineer
architects	معمار	architect
technicians	تکنسین	technician
mechanics	مکانیک	mechanic
electricians	برق‌کار	electrician
plumbers	لوله‌کش	plumber
carpenters	نجار	carpenter
painters	نقاش	painter
builders	سازنده یا کارگر ساختمانی	builder
contractors	پیمانکار	contractor
workers	کارگر	worker
labourers	کارگر ساده	labourer
farmers	کشاورز	farmer
gardeners	باغبان	gardener
fishermen	ماهیگیر	fisherman
chefs	سرآشپز	chef
cooks	آشپز	cook
bakers	نانوا	baker
butchers	قصاب	butcher
waiters	پیشخدمت مرد	waiter
waitresses	پیشخدمت زن	waitress
servers	پیشخدمت	server
bartenders	بارمن	bartender
baristas	باریستا	barista
shopkeepers	مغازه‌دار	shopkeeper
salespeople	فروشنده	salesperson
salesmen	فروشنده مرد	salesman
saleswomen	فروشنده زن	saleswoman
cashiers	صندوق‌دار	cashier
merchants	بازرگان	merchant
entrepreneurs	کارآفرین	entrepreneur
businessmen	تاجر مرد	businessman
businesswomen	تاجر زن	businesswoman
managers	مدیر	manager
directors	مدیرعامل، کارگردان یا عضو هیئت‌مدیره	director
executives	مدیر اجرایی	executive

CharbZaban.com

employees	کارمند	employee
employers	کارفرما	employer
assistants	دستیار	assistant
secretaries	منشی	secretary
receptionists	مسئول پذیرش	receptionist
accountants	حسابدار	accountant
auditors	حسابرس	auditor
bankers	بانکدار	banker
economists	اقتصاددان	economist
analysts	تحلیل‌گر	analyst
consultants	مشاور	consultant
lawyers	وکیل	lawyer
attorneys	وکیل	attorney
judges	قاضی	judge
prosecutors	دادستان	prosecutor
defendants	متهم	defendant
clerks	کارمند اداری	clerk
officers	افسر یا مسئول	officer
politicians	سیاست‌مدار	politician
ministers	وزیر	minister
presidents	رئیس‌جمهور یا رئیس سازمان	president
ambassadors	سفیر	ambassador
diplomats	دیپلمات	diplomat
soldiers	سرباز	soldier
sailors	ملوان	sailor
pilots	خلبان	pilot
astronauts	فضانورد	astronaut
doctors	پزشک	doctor
physicians	پزشک	physician
surgeons	جراح	surgeon
nurses	پرستار	nurse
dentists	دندان‌پزشک	dentist
pharmacists	داروساز	pharmacist
psychologists	روان‌شناس	psychologist
psychiatrists	روان‌پزشک	psychiatrist
therapists	درمانگر	therapist
vets	دامپزشک	vet
paramedics	تکنیکین اورژانس	paramedic
midwives	ماما	midwife

CharbZaban.com

journalist	روزنامه‌نگار	journalists
reporter	خبرنگار	reporters
editor	ویراستار یا سردبیر	editors
author	نویسنده	authors
writer	نویسنده	writers
poet	شاعر	poets
novelist	رمان‌نویس	novelists
translator	مترجم	translators
interpreter	مترجم شفاهی	interpreters
photographer	عکاس	photographers
artist	هنرمند	artists
actor	بازیگر مرد	actors
actress	بازیگر زن	actresses
musician	نوازنده یا موسیقی‌دان	musicians
singer	خواننده	singers
dancer	رقصنده	dancers
composer	آهنگ‌ساز	composers
conductor	رهبر ارکستر	conductors
designer	طراح	designers
programmer	برنامه‌نویس	programmers
developer	توسعه‌دهنده	developers
administrator	مدیر سیستم یا مدیر اداری	administrators
cleaner	نظافت‌کار	cleaners
guard	نگهبان	guards
firefighter	آتش‌نشان	firefighters
police officer	افسر پلیس	police officers
detective	کارآگاه	detectives
postman	پستچی	postmen
courier	پیک	couriers

۴ـ3. بدن، سلامت و مراقبت Body, health & care

I have a headache and my teeth hurt.

سردرد دارم و دندان‌هایم درد می‌کنند.

headache مفرد C و teeth جمع tooth است.

اسم (C)	معنی	جمع
head	سر	heads
face	صورت	faces
forehead	پیشانی	foreheads

CharbZaban.com

eyebrow	ابرو	eyebrows
eyelash	مژه	eyelashes
eye	چشم	eyes
ear	گوش	ears
nose	بینی	noses
nostril	سوراخ بینی	nostrils
cheek	گونه	cheeks
mouth	دهان	mouths
lip	لب	lips
tooth	دندان	teeth
tongue	زبان	tongues
jaw	فک	jaws
chin	چانه	chins
neck	گردن	necks
throat	گلو	throats
shoulder	شانه	shoulders
arm	بازو	arms
elbow	آرنج	elbows
wrist	مچ دست	wrists
hand	دست	hands
finger	انگشت دست	fingers
thumb	شست دست	thumbs
fingernail	ناخن دست	fingernails
palm	کف دست	palms
chest	سینه	chests
back	پشت بدن	backs
waist	کمر	waists
stomach	معده یا شکم	stomaches
abdomen	شکم	abdomens
hip	لگن	hips
leg	پا	legs
thigh	ران	thighs
knee	زانو	knees
calf	ساق پا	calves
ankle	مچ پا	ankles
foot	پا	feet
toe	انگشت پا	toes
heel	پاشنه	heels
toenail	ناخن پا	toenails

CharbZaban.com

brains	مغز	brain
hearts	قلب	heart
lungs	ریه	lung
livers	کبد	liver
kidneys	کلیه	kidney
bones	استخوان	bone
muscles	عضله	muscle
nerves	عصب	nerve
veins	ورید	vein
arteries	شریان	artery
joints	مفصل	joint
organs	اندام	organ
cells	سلول	cell
diseases	بیماری	disease
illnesses	بیماری یا دورهٔ بیماری	illness
infections	عفونت	infection
injuries	جراحت	injury
wounds	زخم	wound
cuts	بریدگی	cut
bruises	کبودی	bruise
burns	سوزش یا سوختگی	burn
scars	جای زخم	scar
symptoms	علامت بیماری	symptom
headaches	سردرد	headache
stomachaches	درد معده	stomachache
colds	سرماخوردگی	cold
fevers	تب در کاربرد یک دوره یا حالت	fever
coughs	سرفه	cough
allergies	حساسیت	allergy
operations	عمل جراحی	operation
appointments	وقت ملاقات	appointment
prescriptions	نسخه	prescription
tablets	قرص	tablet
pills	قرص	pill
capsules	کپسول	capsule
doses	دوز دارو	dose
injections	تزریق	injection
bandages	بانداژ	bandage
crutches	عصای زیر بغل	crutch

CharbZaban.com

wheelchair	صندلی چرخ‌دار	wheelchairs
hospital	بیمارستان	hospitals
clinic	کلینیک	clinics
ward	بخش بیمارستان	wards

۴.4 خانه، آشپزخانه و وسایل روزمره Home, kitchen & everyday objects

There are two chairs and a table in the kitchen.
در آشپزخانه دو صندلی و یک میز هست.
با جمع C از are و عدد استفاده می‌شود.

اسم (C)	معنی	جمع
house	خانه	houses
apartment	آپارتمان	apartments
flat	آپارتمان	flats
building	ساختمان	buildings
room	اتاق	rooms
bedroom	اتاق‌خواب	bedrooms
bathroom	حمام یا سرویس بهداشتی	bathrooms
kitchen	آشپزخانه	kitchens
living room	اتاق نشیمن	living rooms
dining room	اتاق ناهارخوری	dining rooms
hall	راهرو یا تالار	halls
corridor	راهرو	corridors
step	پله	steps
floor	طبقه یا کف	floors
ceiling	سقف	ceilings
wall	دیوار	walls
roof	سقف بیرونی	roofs
door	در	doors
window	پنجره	windows
gate	دروازه	gates
fence	حصار	fences
garden	باغچه یا باغ	gardens
yard	حیاط	yards
balcony	بالکن	balconies
garage	گاراژ	garages
basement	زیرزمین	basements
attic	زیرشیروانی	attics
lift	آسانسور	lifts

CharbZaban.com

elevator	آسانسور	elevators
key	کلید	keys
lock	قفل	locks
bed	تخت‌خواب	beds
pillow	بالش	pillows
blanket	پتو	blankets
sheet	ملافه	sheets
mattress	تشک	mattresses
wardrobe	کمد لباس	wardrobes
closet	کمد یا انباری کوچک	closets
cupboard	کمد یا کابینت	cupboards
drawer	کشو	drawers
shelf	قفسه	shelves
bookcase	کتابخانهٔ قفسه‌دار	bookcases
cabinet	کابینت یا کمد	cabinets
table	میز	tables
desk	میز تحریر	desks
chair	صندلی	chairs
armchair	صندلی راحتی	armchairs
sofa	مبل	sofas
couch	مبل راحتی	couches
stool	صندلی کوتاه	stools
bench	نیمت	benches
lamp	چراغ	lamps
light	چراغ یا منبع نور	lights
curtain	پرده	curtains
carpet	فرش	carpets
rug	فرش کوچک	rugs
mirror	آینه	mirrors
clock	ساعت دیواری یا رومیزی	clocks
watch	ساعت مچی	watches
picture	تصویر یا قاب عکس	pictures
painting	تابلوی نقاشی	paintings
photograph	عکس	photographs
frame	قاب	frames
vase	گلدان	vases
plant	گیاه گلدانی یا گیاه	plants
flower	گل	flowers
pot	گلدان یا ظرف	pots

CharbZaban.com

baskets	سبد	basket
boxes	جعبه	box
bags	کیف	bag
suitcases	چمدان	suitcase
backpacks	کوله‌پشتی	backpack
handbags	کیف دستی	handbag
wallets	کیف پول	wallet
purses	کیف پول یا کیف دستی کوچک	purse
umbrellas	چتر	umbrella
brooms	جارو	broom
buckets	سطل	bucket
bins	سطل زباله	bin
vacuum cleaners	جاروبرقی	vacuum cleaner
washing machines	ماشین لباسشویی	washing machine
dishwashers	ماشین ظرفشویی	dishwasher
refrigerators	یخچال	refrigerator
fridges	یخچال	fridge
freezers	فریزر	freezer
ovens	فر	oven
stoves	اجاق	stove
cookers	اجاق آشپزی	cooker
microwaves	مایکروویو	microwave
kettles	کتری	kettle
toasters	توستر	toaster
blenders	مخلوط‌کن	blender
mixers	همزن	mixer
sinks	سینک	sink
taps	شیر آب	tap
faucets	شیر آب	faucet
pipes	لوله	pipe
drains	مجرای تخلیه	drain
towels	حوله	towel
toothbrushes	مسواک	toothbrush
combs	شانه	comb
razors	تیغ اصلاح	razor
plates	بشقاب	plate
dishes	ظرف یا وعدهٔ غذایی	dish
bowls	کاسه	bowl
cups	فنجان	cup

CharbZaban.com

mug	لیوان دسته‌دار	mugs
glass	لیوان	glasses
bottle	بطری	bottles
jar	شیشه یا ظرف دردار	jars
jug	پارچ	jugs
pan	ماهیتابه یا قابلمه کم‌عمق	pans
frying pan	ماهیتابه	frying pans
knife	چاقو	knives
fork	چنگال	forks
spoon	قاشق	spoons
teaspoon	قاشق چای‌خوری	teaspoons
tablespoon	قاشق غذاخوری	tablespoons
ladle	ملاقه	ladles
tray	سینی	trays
napkin	دستمال سفره	napkins
cloth	دستمال یا تکه پارچه	cloths
sponge	اسفنج	sponges
container	ظرف	containers
lid	درِ ظرف	lids
handle	دستگیره	handles
tool	ابزار	tools
hammer	چکش	hammers
screwdriver	پیچ‌گوشتی	screwdrivers
nail	میخ	nails
screw	پیچ	screws
battery	باتری	batteries
charger	شارژر	chargers
cable	کابل	cables
plug	دوشاخه	plugs
socket	پریز	sockets
switch	کلید	switches

۴ـ5. آموزش، محل کار و نوشت‌افزار Education, office & stationery

I have three assignments and an exam this week.

این هفته سه تکلیف و یک امتحان دارم.

assignment و exam قابل‌شمارش‌اند.

اسم (C)	معنی	جمع
school	مدرسه	schools

CharbZaban.com

university	دانشگاه	universities
college	کالج یا دانشکده	colleges
institute	مؤسسه آموزشی	institutes
academy	آکادمی	academies
kindergarten	مهدکودک	kindergartens
class	کلاس یا جلسهٔ درس	classes
classroom	کلاس درس	classrooms
lesson	درس یا جلسه	lessons
course	دوره آموزشی	courses
subject	موضوع یا درس	subjects
module	واحد درسی	modules
lecture	سخنرانی آموزشی	lectures
seminar	سمینار	seminars
workshop	کارگاه	workshops
tutorial	جلسهٔ آموزشی یا آموزش عملی	tutorials
degree	مدرک دانشگاهی	degrees
diploma	دیپلم یا مدرک	diplomas
certificate	گواهینامه	certificates
qualification	مدرک یا صلاحیت	qualifications
exam	امتحان	exams
examination	امتحان رسمی	examinations
test	آزمون	tests
quiz	آزمون کوتاه	quizzes
question	سؤال	questions
answer	پاسخ	answers
exercise	تمرین	exercises
assignment	تکلیف	assignments
project	پروژه	projects
essay	مقالهٔ دانشگاهی یا انشا	essays
paragraph	پاراگراف	paragraphs
sentence	جمله	sentences
word	واژه	words
letter	حرف یا نامه	letters
alphabet	الفبا	alphabets
syllable	هجا	syllables
vowel	صدادار	vowels
consonant	همخوان	consonants
noun	اسم	nouns
verb	فعل	verbs

CharbZaban.com

adjectives	صفت	adjective
adverbs	قید	adverb
pronouns	ضمیر	pronoun
prepositions	حرف اضافه	preposition
conjunctions	حرف ربط	conjunction
examples	مثال	example
definitions	تعریف	definition
meanings	معنی	meaning
translations	ترجمه	translation
dictionaries	فرهنگ لغت	dictionary
glossaries	واژه‌نامه	glossary
books	کتاب	book
textbooks	کتاب درسی	textbook
notebooks	دفتر	notebook
workbooks	کتاب تمرین	workbook
magazines	مجله	magazine
newspapers	روزنامه	newspaper
journals	نشریه یا دفتر ثبت	journal
articles	مقاله	article
stories	داستان	story
novels	رمان	novel
chapters	فصل	chapter
pages	صفحه	page
covers	جلد	cover
titles	عنوان	title
indexes/indices	فهرست یا شاخص	index
maps	نقشه	map
charts	نمودار	chart
graphs	نمودار	graph
diagrams	نمودار شماتیک	diagram
tables	جدول	table
figures	شکل یا عدد	figure
lists	فهرست	list
notes	یادداشت	note
notices	اعلان	notice
messages	پیام	message
reports	گزارش	report
forms	فرم	form
documents	سند	document

CharbZaban.com

files	پرونده یا فایل	file
folders	پوشه	folder
envelopes	پاکت نامه	envelope
stamps	تمبر	stamp
pens	خودکار	pen
pencils	مداد	pencil
erasers	پاک‌کن	eraser
rulers	خط‌کش	ruler
markers	ماژیک	marker
highlighters	هایلایتر	highlighter
crayons	مدادشمعی	crayon
sharpeners	تراش	sharpener
staplers	منگنه	stapler
paperclips	گیرهٔ کاغذ	paperclip
pins	سنجاق	pin
calculators	ماشین‌حساب	calculator
blackboards	تخته‌سیاه	blackboard
whiteboards	تخته وایت‌برد	whiteboard
lockers	کمد قفل‌دار	locker
laboratories	آزمایشگاه	laboratory
libraries	کتابخانه	library
canteens	غذاخوری	canteen
offices	دفتر کار	office
meetings	جلسه	meeting
interviews	مصاحبه	interview
presentations	ارائه	presentation
tasks	وظیفه یا کار	task
jobs	شغل	job
careers	مسیر شغلی	career
positions	سمت یا موقعیت	position
salaries	حقوق	salary
contracts	قرارداد	contract
schedules	برنامه زمانی	schedule
timetables	برنامهٔ کلاس یا حرکت	timetable
holidays	تعطیلی یا مرخصی	holiday
vacations	تعطیلات یا سفر تفریحی	vacation
breaks	وقفه	break
deadlines	مهلت نهایی	deadline

CharbZaban.com

۴ـ6. خوراکی‌های قابل‌شمارش Countable foods

I ate an apple and two sandwiches.

یک سیب و دو ساندویچ خوردم.

هر سه اسم را می‌توان مستقیم شمرد.

اسم (C)	معنی	جمع
apple	سیب	apples
orange	پرتقال	oranges
banana	موز	bananas
pear	گلابی	pears
peach	هلو	peaches
plum	آلو	plums
apricot	زردآلو	apricots
grape	یک دانهٔ انگور	grapes
strawberry	توت‌فرنگی	strawberries
raspberry	تمشک	raspberries
blueberry	بلوبری	blueberries
blackberry	شاتوت	blackberries
cherry	گیلاس	cherries
lemon	لیموترش	lemons
lime	لیمو سبز	limes
melon	خربزه	melons
watermelon	هندوانه	watermelons
pineapple	آناناس	pineapples
mango	انبه	mangoes/mangos
kiwi	میوهٔ کیوی	kiwis
fig	انجیر	figs
date	خرما	dates
coconut	نارگیل	coconuts
nut	آجیل یا دانهٔ خوراکی سفت	nuts
almond	بادام	almonds
walnut	گردو	walnuts
hazelnut	فندق	hazelnuts
pistachio	پسته	pistachios
peanut	بادام زمینی	peanuts
cashew	بادام هندی	cashews
tomato	گوجه‌فرنگی	tomatoes
potato	سیب‌زمینی	potatoes

CharbZaban.com

carrots	هویج	carrot
onions	پیاز	onion
cucumbers	خیار	cucumber
peppers	فلفل	pepper
aubergines	بادمجان	aubergine
eggplants	بادمجان	eggplant
courgettes	کدو	courgette
zucchini/zucchinis	کدو	zucchini
pumpkins	کدو تنبل	pumpkin
cabbages	کلم	cabbage
lettuces	کاهوی یکپارچه	lettuce
cauliflowers	گل‌کلم	cauliflower
peas	نخود فرنگی	pea
beans	لوبیا	bean
lentils	یک دانه عدس	lentil
chickpeas	نخود	chickpea
mushrooms	قارچ	mushroom
olives	زیتون	olive
eggs	تخم‌مرغ	egg
sandwiches	ساندویچ	sandwich
burgers	برگر	burger
hamburgers	همبرگر	hamburger
pizzas	پیتزا در کاربرد یک پیتزای کامل	pizza
pies	پای یا پیراشکی	pie
cakes	کیک در کاربرد یک کیک کامل	cake
biscuits	بیسکوییت	biscuit
cookies	کوکی	cookie
crackers	کراکر	cracker
sweets	شیرینی یا آب‌نبات	sweet
candies	یک آب‌نبات در کاربرد C	candy
chocolates	یک شکلات کوچک/قالب در کاربرد C	chocolate
doughnuts	دونات	doughnut
pancakes	پن‌کیک	pancake
waffles	وافل	waffle
rolls	نان رول یا غذای رول‌شده	roll
loaves	یک قرص نان	loaf
slices	برش	slice
pieces	تکه	piece
portions	سهم غذا	portion

CharbZaban.com

serving	سهم سرو	servings
meal	وعده غذایی	meals
snack	میان‌وعده	snacks
recipe	دستور پخت	recipes
menu	منو	menus
drink	نوشیدنی در کاربرد یک سفارش یا یک نوع	drinks
beverage	نوشیدنی	beverages
sausage	سوسیس	sausages
steak	استیک	steaks
chop	کتلت استخوان‌دار	chops
cutlet	کتلت	cutlets
meatball	کوفته	meatballs
dumpling	خمیزه یا پیراشکی پخته	dumplings
noodle	رشتهٔ نودل	noodles

۴ـ7. حیوانات، پرندگان و حشرات Animals, birds & insects

I saw two sheep and three birds.

دو گوسفند و سه پرنده دیدم.

جمع sheep تغییر نمی‌کند.

اسم (C)	معنی	جمع
animal	حیوان	animals
pet	حیوان خانگی	pets
mammal	پستاندار	mammals
bird	پرنده	birds
fish	ماهی؛ جمع معمول fish و گاهی fishes	fish/fishes
insect	حشره	insects
reptile	خزنده	reptiles
amphibian	دوزیست	amphibians
cat	گربه	cats
dog	سگ	dogs
horse	اسب	horses
donkey	الاغ	donkeys
mule	قاطر	mules
cow	گاو ماده	cows
bull	گاو نر	bulls
calf	گوساله	calves
sheep	گوسفند	sheep
lamb	بره	lambs

CharbZaban.com

goats	بز	goat
pigs	خوک	pig
rabbits	خرگوش	rabbit
hares	خرگوش وحشی	hare
mice	موش	mouse
rats	موش صحرایی	rat
hamsters	همستر	hamster
guinea pigs	خوکچه هندی	guinea pig
squirrels	سنجاب	squirrel
hedgehogs	جوجه‌تیغی	hedgehog
bats	خفاش	bat
deer	گوزن	deer
foxes	روباه	fox
wolves	گرگ	wolf
bears	خرس	bear
lions	شیر	lion
tigers	ببر	tiger
leopards	پلنگ	leopard
cheetahs	یوزپلنگ	cheetah
jaguars	جگوار	jaguar
elephants	فیل	elephant
giraffes	زرافه	giraffe
zebras	گورخر	zebra
monkeys	میمون	monkey
apes	میمون بی‌دم	ape
gorillas	گوریل	gorilla
chimpanzees	شامپانزه	chimpanzee
kangaroos	کانگورو	kangaroo
koalas	کوالا	koala
pandas	پاندا	panda
camels	شتر	camel
rhinoceroses/rhinoceros	کرگدن	rhinoceros
hippopotamuses/hippopotami	اسب آبی	hippopotamus
crocodiles	تمساح	crocodile
alligators	آلیگاتور	alligator
snakes	مار	snake
lizards	مارمولک	lizard
turtles	لاک‌پشت	turtle
tortoises	لاک‌پشت خشکی	tortoise

CharbZaban.com

frog	قورباغه	frogs
toad	وزغ	toads
eagle	عقاب	eagles
hawk	شاهین	hawks
falcon	شاهین	falcons
owl	جغد	owls
sparrow	گنجشک	sparrows
pigeon	کبوتر	pigeons
dove	کبوتر/قمری	doves
parrot	طوطی	parrots
canary	قناری	canaries
crow	کلاغ	crows
raven	غراب	ravens
seagull	مرغ دریایی	seagulls
duck	اردک	ducks
goose	غاز	geese
swan	قو	swans
chicken	مرغ یا جوجه در کاربرد C	chickens
rooster	خروس	roosters
hen	مرغ ماده	hens
turkey	بوقلمون	turkeys
penguin	پنگوئن	penguins
ostrich	شترمرغ	ostriches
flamingo	فلامینگو	flamingos/flamingoes
peacock	طاووس	peacocks
bee	زنبور عسل	bees
wasp	زنبور	wasps
ant	مورچه	ants
fly	مگس	flies
mosquito	پشه	mosquitoes/mosquitos
butterfly	پروانه	butterflies
moth	شاپرک	moths
beetle	سوسک	beetles
ladybird	کفشدوزک	ladybirds
spider	عنکبوت	spiders
scorpion	عقرب	scorpions
cockroach	سوسک حمام	cockroaches
grasshopper	ملخ	grasshoppers
cricket	جیرجیرک	crickets

CharbZaban.com

worm	کرم	worms
snail	حلزون	snails
slug	لیسه	slugs
whale	نهنگ	whales
dolphin	دلفین	dolphins
shark	کوسه	sharks
octopus	هشت‌پا	octopuses/octopi
squid	ماهی مرکب	squids
crab	خرچنگ	crabs
lobster	خرچنگ خارپشت	lobsters
shrimp	میگو	shrimps
salmon	ماهی آزاد	salmon
trout	ماهی قزل‌آلا	trout

۴ـ8. مکان‌ها، شهر و سفر Places, city & travel

We visited two museums and an old palace.
از دو موزه و یک کاخ قدیمی دیدن کردیم.
a/an و اعداد با C مفرد/جمع کار می‌کنند.

اسم (C)	معنی	جمع
place	مکان	places
city	شهر	cities
town	شهر کوچک	towns
village	روستا	villages
capital	پایتخت	capitals
country	کشور	countries
state	ایالت یا کشور	states
province	استان	provinces
region	منطقه	regions
district	ناحیه	districts
neighbourhood	محله	neighbourhoods
street	خیابان	streets
road	جاده یا خیابان	roads
avenue	خیابان بزرگ	avenues
lane	کوچه یا خط حرکت	lanes
alley	کوچه	alleys
square	میدان	squares
park	پارک	parks
playground	زمین بازی	playgrounds

CharbZaban.com

bridges	پل	bridge
tunnels	تونل	tunnel
crossroads	چهارراه	crossroads
junctions	تقاطع	junction
roundabouts	میدان گرد	roundabout
pavements	پیاده‌رو	pavement
sidewalks	پیاده‌رو	sidewalk
crossings	گذرگاه	crossing
traffic lights	چراغ راهنمایی	traffic light
signs	تابلو	sign
addresses	نشانی	address
shops	فروشگاه	shop
stores	فروشگاه	store
supermarkets	سوپرمارکت	supermarket
markets	بازار	market
malls	مرکز خرید	mall
department stores	فروشگاه بزرگ	department store
bakeries	نانوایی	bakery
pharmacies	داروخانه	pharmacy
banks	بانک	bank
restaurants	رستوران	restaurant
cafés	کافه	café
hotels	هتل	hotel
museums	موزه	museum
galleries	گالری	gallery
theatres	تئاتر یا سالن تئاتر	theatre
cinemas	سینما	cinema
stadiums/stadia	ورزشگاه	stadium
gyms	باشگاه	gym
pools	استخر	pool
beaches	ساحل	beach
islands	جزیره	island
mountains	کوه	mountain
hills	تپه	hill
valleys	دره	valley
deserts	بیابان	desert
forests	جنگل	forest
jungles	جنگل انبوه	jungle
lakes	دریاچه	lake

CharbZaban.com

river	رودخانه	rivers
stream	نهر	streams
waterfall	آبشار	waterfalls
cave	غار	caves
farm	مزرعه	farms
factory	کارخانه	factories
warehouse	انبار	warehouses
airport	فرودگاه	airports
station	ایستگاه	stations
bus stop	ایستگاه اتوبوس	bus stops
platform	سکو	platforms
port	بندر	ports
harbour	بندر	harbours
terminal	ترمینال	terminals
ticket	بلیت	tickets
passport	گذرنامه	passports
visa	ویزا	visas
journey	سفر	journeys
trip	سفر کوتاه	trips
tour	تور	tours
flight	پرواز	flights
reservation	رزرو	reservations
booking	رزرو	bookings
souvenir	یادگاری	souvenirs
landmark	نشانه یا اثر شاخص	landmarks
monument	بنای یادبود	monuments
temple	معبد	temples
church	کلیسا	churches
mosque	مسجد	mosques
palace	کاخ	palaces
castle	قلعه	castles
tower	برج	towers

۴ـ9. حمل‌ونقل، فناوری و رسانه Transport, technology & media

He bought a laptop and two cameras.

او یک لپ‌تاپ و دو دوربین خرید.

وسایل مشخص قابل‌شمارش‌اند.

اسم (C)	معنی	جمع

CharbZaban.com

vehicle	وسیله نقلیه	vehicles
car	خودرو	cars
automobile	خودرو	automobiles
taxi	تاکسی	taxis
bus	اتوبوس	buses
coach	اتوبوس بین‌شهری	coaches
minibus	مینی‌بوس	minibuses
van	وانت	vans
lorry	کامیون	lorries
truck	کامیون	trucks
tractor	تراکتور	tractors
motorcycle	موتورسیکلت	motorcycles
motorbike	موتورسیکلت	motorbikes
scooter	اسکوتر	scooters
bicycle	دوچرخه	bicycles
bike	دوچرخه یا موتور	bikes
wheel	چرخ	wheels
tyre	لاستیک	tyres
engine	موتور	engines
seat	صندلی	seats
seat belt	کمربند ایمنی	seat belts
brake	ترمز	brakes
gear	دنده	gears
train	قطار	trains
carriage	واگن	carriages
wagon	واگن یا گاری	wagons
locomotive	لوکوموتیو	locomotives
tram	تراموا	trams
boat	قایق	boats
ship	کشتی	ships
ferry	کشتی رفت‌وآمد	ferries
canoe	قایق باریک	canoes
yacht	قایق تفریحی	yachts
sailboat	قایق بادبانی	sailboats
aircraft	هواپیما	aircraft
aeroplane	هواپیما	aeroplanes
helicopter	هلیکوپتر	helicopters
rocket	موشک	rockets
spaceship	سفینه	spaceships

CharbZaban.com

ambulances	آمبولانس	ambulance
computers	رایانه	computer
laptops	لپ‌تاپ	laptop
tablets	تبلت	tablet
phones	تلفن	phone
telephones	تلفن	telephone
mobiles	تلفن همراه	mobile
smartphones	گوشی هوشمند	smartphone
screens	صفحه‌نمایش	screen
monitors	مانیتور	monitor
keyboards	صفحه‌کلید	keyboard
mice/mouses	ماوس	mouse
printers	چاپگر	printer
scanners	اسکنر	scanner
cameras	دوربین	camera
microphones	میکروفون	microphone
speakers	بلندگو	speaker
televisions	تلویزیون	television
radios	رادیو	radio
remotes	کنترل از راه دور	remote
devices	دستگاه	device
machines	ماشین	machine
robots	ربات	robot
websites	وب‌سایت	website
webpages	صفحهٔ وب	webpage
links	پیوند	link
accounts	حساب کاربری	account
passwords	گذرواژه	password
usernames	نام کاربری	username
emails	یک ایمیل/پیام در کاربرد C	email
notifications	اعلان	notification
applications	کاربرد یا نرم‌افزار	application
apps	اپلیکیشن	app
programs	برنامه	program
images	تصویر	image
photos	عکس	photo
videos	ویدیو	video
films	فیلم	film
movies	فیلم	movie

CharbZaban.com

channel	کانال	channels
network	شبکه	networks
database	پایگاه داده	databases
server	سرور	servers
browser	مرورگر	browsers
search engine	موتور جست‌وجو	search engines
blog	وبلاگ	blogs
post	نوشته یا پست	posts
comment	دیدگاه	comments
podcast	پادکست	podcasts
song	ترانه	songs
album	آلبوم	albums
concert	کنسرت	concerts
show	نمایش یا برنامه	shows
series	مجموعه تلویزیونی	series
episode	قسمت	episodes
advertisement	آگهی	advertisements
headline	تیتر	headlines

۴ـ10. طبیعت، پوشاک و اشیای شخصی Nature, clothing & personal items

She packed two dresses and a jacket.

او دو پیراهن و یک ژاکت بست.

برای clothes جمع‌شکل به فصل ۸ مراجعه کنید.

اسم (C)	معنی	جمع
star	ستاره	stars
planet	سیاره	planets
moon	ماه در کاربرد یک قمر/جرم	moons
cloud	ابر	clouds
raindrop	قطره باران	raindrops
snowflake	بلور برف	snowflakes
storm	طوفان	storms
thunderstorm	رعدوبرق	thunderstorms
hurricane	توفان	hurricanes
tornado	گردباد	tornadoes/tornados
earthquake	زلزله	earthquakes
flood	سیل در کاربرد یک رخداد	floods
wave	موج	waves
rock	سنگ	rocks

CharbZaban.com

stones	سنگ یا سنگ کوچک	stone
pebbles	سنگریزه	pebble
grains	دانه	grain
seeds	دانه	seed
leaves	برگ	leaf
branches	شاخه	branch
trees	درخت	tree
bushes	بوته	bush
roots	ریشه	root
trunks	تنه درخت	trunk
coats	کت یا پالتو	coat
jackets	ژاکت یا کت کوتاه	jacket
suits	کت‌وشلوار	suit
shirts	پیراهن	shirt
T-shirts	تی‌شرت	T-shirt
blouses	بلوز	blouse
sweaters	پلیور	sweater
cardigans	ژاکت دکمه‌دار	cardigan
dresses	پیراهن زنانه	dress
skirts	دامن	skirt
socks	جوراب	sock
stockings	جوراب بلند زنانه	stocking
shoes	کفش	shoe
boots	چکمه	boot
sandals	صندل	sandal
slippers	دمپایی	slipper
trainers	کفش ورزشی	trainer
hats	کلاه	hat
caps	کلاه لبه‌دار	cap
scarves/scarfs	شال‌گردن	scarf
gloves	دستکش	glove
belts	کمربند	belt
ties	کراوات	tie
buttons	دکمه	button
pockets	جیب	pocket
zips	زیپ	zip
rings	حلقه	ring
necklaces	گردنبند	necklace
bracelets	دستبند	bracelet

CharbZaban.com

earring	گوشواره	earrings
uniform	یونیفرم	uniforms
costume	لباس نقش یا لباس محلی	costumes

۴ـ11. رویدادها، ایده‌ها و مفاهیم قابل‌شمارش Events, ideas & countable concepts

We discussed three ideas and made a decision.

سه ایده را بررسی کردیم و یک تصمیم گرفتیم.

بسیاری از مفاهیم انتزاعی نیز C هستند.

اسم (C)	معنی	جمع
idea	ایده	ideas
thought	فکر در کاربرد یک اندیشه	thoughts
plan	برنامه	plans
decision	تصمیم	decisions
choice	انتخاب	choices
option	گزینه	options
possibility	امکان	possibilities
opportunity	فرصت	opportunities
chance	شانس یا فرصت	chances
reason	دلیل	reasons
cause	علت	causes
result	نتیجه	results
effect	اثر	effects
purpose	هدف	purposes
goal	هدف	goals
aim	هدف	aims
problem	مسئله	problems
solution	راه‌حل	solutions
method	روش	methods
way	راه یا روش	ways
rule	قاعده	rules
law	قانون	laws
principle	اصل	principles
system	سامانه	systems
process	فرایند	processes
stage	مرحله	stages
step	گام	steps
level	سطح	levels
point	نکته یا امتیاز	points

CharbZaban.com

details	جزئیاتِ یک مورد	detail
facts	واقعیت	fact
theories	نظریه	theory
arguments	استدلال یا مشاجره	argument
opinions	نظر	opinion
beliefs	باور	belief
views	دیدگاه	view
attitudes	نگرش در کاربرد یک نگرش مشخص	attitude
habits	عادت	habit
customs	رسم	custom
traditions	سنت	tradition
cultures	فرهنگ در کاربرد یک فرهنگ مشخص	culture
languages	زبان	language
accents	لهجه	accent
dialects	گویش	dialect
mistakes	اشتباه	mistake
errors	خطا	error
faults	عیب یا تقصیر	fault
difficulties	مشکل	difficulty
advantages	مزیت	advantage
disadvantages	عیب	disadvantage
benefits	فایده	benefit
risks	خطر	risk
dangers	خطر مشخص	danger
fears	ترس در کاربرد یک ترس مشخص	fear
dreams	رویا	dream
memories	خاطره	memory
experiences	تجربه در کاربرد یک رویداد	experience
skills	مهارت	skill
abilities	توانایی	ability
activities	فعالیت	activity
events	رویداد	event
incidents	واقعه	incident
accidents	تصادف یا حادثه	accident
situations	موقعیت	situation
conditions	شرط یا وضعیت مشخص	condition
cases	مورد یا پرونده	case
instances	نمونه	instance
periods	دوره	period

CharbZaban.com

century	قرن	centuries
decade	دهه	decades
year	سال	years
month	ماه	months
week	هفته	weeks
day	روز	days
hour	ساعت	hours
minute	دقیقه	minutes
second	ثانیه	seconds
moment	لحظه	moments
date	تاریخ یا قرار	dates
party	مهمانی یا حزب	parties
celebration	جشن	celebrations
ceremony	مراسم	ceremonies
festival	جشنواره	festivals
wedding	عروسی	weddings
funeral	تشییع جنازه	funerals
visit	بازدید	visits
conversation	گفت‌وگو	conversations
discussion	بحث	discussions
joke	شوخی	jokes
game	بازی	games
match	مسابقه	matches
race	مسابقه سرعت	races
competition	رقابت یا مسابقه	competitions
prize	جایزه	prizes
award	جایزه	awards
bill	صورتحساب یا اسکناس	bills
coin	سکه	coins
price	قیمت	prices
cost	هزینهٔ مشخص	costs
discount	تخفیف	discounts
offer	پیشنهاد	offers
deal	توافق یا معامله	deals
product	محصول	products
item	قلم یا مورد	items
brand	نشان تجاری	brands
company	شرکت	companies
business	کسب‌وکار یا شرکت در کاربرد C	businesses

CharbZaban.com

service	خدمت یا سرویس	services
team	تیم	teams
group	گروه	groups
club	باشگاه	clubs
organization	سازمان	organizations
government	دولت	governments
nation	ملت یا کشور	nations
army	ارتش	armies
election	انتخابات در کاربرد یک رخداد	elections
vote	رأی	votes
policy	سیاست	policies
programme	برنامه	programmes

CharbZaban.com

۵. واژه‌نامهٔ اسامی غیرقابل‌شمارش

456 مدخل در این فصل آمده است. ستون سوم راه طبیعی برای بیان «یک واحد» یا یک الگوی رایج را نشان می‌دهد. علامت — یعنی معمولاً به واحد شمارش خاصی نیاز نیست.

۵.۱ مایعات، مواد و عناصر Liquids, materials & substances

There is some water in the glass.

کمی آب در لیوان هست.

is و some با water می‌آیند؛ a water در معنی عمومی نه.

اسم (U)	معنی	واحد شمارش یا الگوی رایج
water	آب	a glass/bottle of water
milk	شیر	a glass/carton of milk
juice	آب‌میوه	a glass of juice
coffee	قهوه	a cup of coffee
tea	چای	a cup of tea
wine	شراب	a glass/bottle of wine
beer	آبجو	a glass/can of beer
oil	روغن	a litre/drop of oil
petrol	بنزین	a litre of petrol
gasoline	بنزین	a litre of gasoline
diesel	گازوئیل	a litre of diesel
blood	خون	a drop of blood
saliva	بزاق	—
sweat	عرق	a drop of sweat
shampoo	شامپو	a bottle of shampoo
toothpaste	خمیردندان	a tube of toothpaste
soap	صابون به‌صورت ماده	a bar of soap
detergent	شوینده	a box/bottle of detergent
bleach	سفیدکننده	a bottle of bleach
paint	رنگ به‌صورت ماده	a tin/litre of paint
ink	جوهر	a bottle/drop of ink
glue	چسب	a tube of glue
cement	سیمان	a bag of cement
concrete	بتن	a block/load of concrete
wood	چوب	a piece of wood
timber	الوار/چوب ساختمانی	a piece of timber
metal	فلز	a piece of metal
iron	آهن	a piece/bar of iron

charbzaban.com

steel	فولاد	a piece/bar of steel
copper	مس	a piece of copper
aluminium	آلومینیوم	a sheet/piece of aluminium
gold	طلا	a bar/piece of gold
silver	نقره	a bar/piece of silver
bronze	برنز	a piece of bronze
glass	شیشه به‌صورت ماده	a pane/piece of glass
plastic	پلاستیک	a piece/sheet of plastic
rubber	لاستیک به‌صورت ماده	a piece of rubber
paper	کاغذ به‌صورت ماده	a sheet/piece of paper
cardboard	مقوا	a sheet/piece of cardboard
cloth	پارچه/دستمال به‌صورت ماده	a piece of cloth
fabric	پارچه	a piece/length of fabric
cotton	پنبه	a ball/piece of cotton
wool	پشم	a ball of wool
silk	ابریشم	a piece of silk
leather	چرم	a piece of leather
fur	پوست و مو حیوان	a piece of fur
stone	سنگ به‌صورت ماده	a piece/block of stone
sand	ماسه	a grain/handful of sand
soil	خاک	a handful/bag of soil
dirt	کثیفی یا خاک	a speck/pile of dirt
dust	گردوخاک	a speck/cloud of dust
mud	گل	a patch of mud
clay	رس	a lump/piece of clay
salt	نمک	a pinch/grain of salt
sugar	شکر	a spoonful/lump of sugar
flour	آرد	a bag/cup of flour
powder	پودر	a spoonful/packet of powder
rice	برنج	a grain/bag of rice
air	هوا	a breath of fresh air
oxygen	اکسیژن	—
hydrogen	هیدروژن	—
nitrogen	نیتروژن	—
carbon	کربن	—
gas	گاز به‌صورت ماده	a volume of gas
smoke	دود	a cloud/puff of smoke
steam	بخار آب	a cloud of steam
vapour	بخار	—

CharbZaban.com

fire	آتش به‌صورت پدیده	—
ice	یخ	a cube/block of ice
snow	برف	a flake of snow
rain	باران	a drop of rain
sunshine	نور خورشید	a ray of sunshine
light	نور	a ray/beam of light
darkness	تاریکی	—
electricity	برق	a supply of electricity
energy	انرژی	a source of energy
heat	گرما	a source of heat
radiation	تابش	a dose/source of radiation

۵.2. خوراکی‌ها و مواد غذایی غیرقابل‌شمارش Uncountable foods

We bought some bread and a little cheese.

کمی نان و مقدار کمی پنیر خریدیم.

برای مقدار مشخص: a loaf of bread / a piece of cheese.

اسم (U)	معنی	واحد شمارش یا الگوی رایج
bread	نان	a slice/loaf of bread
toast	نان تست	a slice of toast
butter	کره	a pat/knob of butter
margarine	مارگارین	a pat of margarine
cheese	پنیر	a piece/slice of cheese
yoghurt	ماست	a pot/spoonful of yoghurt
cream	خامه	a spoonful of cream
honey	عسل	a spoonful/jar of honey
jam	مربا	a spoonful/jar of jam
marmalade	مربای مرکبات	a jar of marmalade
syrup	شربت	a spoonful of syrup
sauce	سس	a spoonful/jar of sauce
ketchup	کچاپ	a bottle of ketchup
mayonnaise	مایونز	a jar of mayonnaise
mustard	خردل	a spoonful of mustard
vinegar	سرکه	a spoonful of vinegar
meat	گوشت	a piece/kilo of meat
beef	گوشت گاو	a cut/kilo of beef
pork	گوشت خوک	a cut of pork
lamb	گوشت بره	a cut of lamb
mutton	گوشت گوسفند بالغ	a cut of mutton

CharbZaban.com

a cut of veal	گوشت گوساله	veal
a piece of chicken	مرغ به‌صورت خوراک	chicken
a slice of turkey	بوقلمون به‌صورت خوراک	turkey
a rasher/slice of bacon	بیکن	bacon
a slice of ham	ژامبون	ham
a piece/fillet of fish	ماهی به‌صورت خوراک	fish
a fillet of salmon	ماهی آزاد به‌صورت خوراک	salmon
a tin of tuna	تون‌ماهی	tuna
a serving of seafood	غذای دریایی	seafood
a grain/plate of rice	برنج	rice
a plate/portion of pasta	پاستا	pasta
a strand/plate of spaghetti	اسپاگتی	spaghetti
a plate of macaroni	ماکارونی	macaroni
a bowl of soup	سوپ	soup
a bowl of stew	خورشت	stew
a portion of curry	کاری	curry
a bowl/plate of salad	سالاد	salad
a bowl of cereal	غلات صبحانه	cereal
a bowl of porridge	فرنی صبحانه	porridge
a bowl of oatmeal	جو دوسر پخته	oatmeal
an ear/kernel of corn	ذرت به‌صورت دانه‌ها یا خوراک	corn
a grain/field of wheat	گندم	wheat
a grain of barley	جو	barley
a grain of rye	چاودار	rye
a grain of maize	ذرت	maize
a bar/piece of chocolate	شکلات به‌صورت ماده	chocolate
a spoonful of cocoa	کاکائو	cocoa
a lump/spoonful of sugar	شکر	sugar
a piece of candy	شیرینی‌پزی/آب‌نبات به‌طور کلی در آمریکایی	candy
a piece/slice of cake	کیک به‌صورت ماده یا سهم	cake
a piece of pastry	خمیر شیرینی	pastry
a ball/lump of dough	خمیر	dough
a bowl of batter	خمیر رقیق	batter
a pinch of pepper	فلفل به‌صورت ادویه	pepper
a stick/pinch of cinnamon	دارچین	cinnamon
a root/pinch of ginger	زنجبیل	ginger
a clove/bulb of garlic	سیر	garlic
a pinch of spice	ادویه به‌صورت عمومی	spice
a meal/item of food	غذا	food

CharbZaban.com

fruit	میوه به‌صورت عمومی	a piece of fruit
produce	محصولات کشاورزی	—
nutrition	تغذیه	—
nourishment	تغذیه و روزی	—
breakfast	صبحانه در کاربرد کلی	a light breakfast
lunch	ناهار در کاربرد کلی	a business lunch
dinner	شام در کاربرد کلی	a three-course dinner

۵.3. احساسات، ویژگی‌ها و مفاهیم انتزاعی Emotions, qualities & abstractions

She spoke with confidence and kindness.

او با اعتمادبه‌نفس و مهربانی صحبت کرد.

مفاهیم انتزاعی معمولاً بدون a و بدون جمع می‌آیند.

اسم (U)	معنی	واحد شمارش یا الگوی رایج
love	عشق	a feeling of love
hate	نفرت	a feeling of hate
anger	خشم	a fit/outburst of anger
fear	ترس به‌صورت کلی	a sense of fear
joy	شادی	a feeling of joy
happiness	خوشبختی	a source of happiness
sadness	غم	a feeling of sadness
sorrow	اندوه	deep sorrow
grief	اندوه شدید	a period of grief
anxiety	اضطراب	a feeling of anxiety
stress	استرس	a source of stress
worry	نگرانی	a cause of worry
relief	آرامش پس از نگرانی	a sense of relief
excitement	هیجان	a sense of excitement
pleasure	لذت	a source of pleasure
enjoyment	لذت‌بردن	—
fun	تفریح	a lot of fun
boredom	بی‌حوصلگی	—
loneliness	تنهایی	—
pride	افتخار	a sense of pride
shame	شرم	a sense of shame
guilt	احساس گناه	a sense of guilt
regret	پشیمانی	a feeling of regret
hope	امید	a ray of hope
optimism	خوش‌بینی	—

CharbZaban.com

pessimism	بدبینی	—
confidence	اعتمادبه‌نفس	a boost of confidence
courage	شجاعت	an act of courage
bravery	دلاوری	an act of bravery
patience	صبر	a great deal of patience
kindness	مهربانی	an act of kindness
generosity	سخاوت	an act of generosity
honesty	صداقت	—
integrity	درستکاری	—
loyalty	وفاداری	—
trust	اعتماد	a relationship of trust
respect	احترام	a mark of respect
sympathy	همدردی	a message of sympathy
compassion	شفقت	an act of compassion
empathy	همدلی	—
friendship	دوستی	a bond of friendship
freedom	آزادی	a degree of freedom
independence	استقلال	—
peace	صلح/آرامش	a period of peace
justice	عدالت	a sense of justice
equality	برابری	—
fairness	انصاف	—
democracy	دموکراسی	—
power	قدرت	a source of power
authority	اقتدار/صلاحیت	a position of authority
control	کنترل	a measure of control
responsibility	مسئولیت به‌صورت کلی	a sense of responsibility
duty	وظیفه	a sense of duty
discipline	نظم و انضباط	—
maturity	بلوغ	—
wisdom	خرد	a word of wisdom
intelligence	هوش	—
knowledge	دانش	a body of knowledge
ignorance	نادانی	—
stupidity	حماقت	an act of stupidity
talent	استعداد	a wealth of talent
skill	مهارت به‌صورت کلی	a high level of skill
ability	توانایی کلی	a level of ability
creativity	خلاقیت	—

CharbZaban.com

imagination	تخیل	—
beauty	زیبایی	—
health	سلامتی	a state of health
fitness	تناسب اندام	—
safety	ایمنی	a measure of safety
security	امنیت	a sense of security
comfort	راحتی	a source of comfort
luxury	تجمل	a life of luxury
wealth	ثروت	a source of wealth
poverty	فقر	—
success	موفقیت	a key to success
failure	شکست به‌صورت کلی	a fear of failure
progress	پیشرفت	signs of progress
development	توسعه/رشد	a stage of development
growth	رشد	a period of growth
change	تغییر به‌صورت کلی	a process of change
importance	اهمیت	—
value	ارزش	—
quality	کیفیت	a standard of quality
quantity	مقدار	—
strength	قدرت	a source of strength
weakness	ضعف	—
speed	سرعت	—
distance	فاصله به‌صورت مفهوم	—
space	فضا	a lot of space
time	زمان	a period/amount of time
life	زندگی به‌صورت کلی	a way of life
death	مرگ به‌صورت مفهوم	—
reality	واقعیت	—
truth	حقیقت	—
harm	آسیب	a risk of harm
damage	خرابی/خسارت	a lot of damage
trouble	مشکل/دردسر	a source of trouble
difficulty	دشواری	a great deal of difficulty
danger	خطر به‌صورت کلی	a source of danger
risk	ریسک به‌صورت کلی	a degree of risk
luck	شانس	a stroke of luck
fortune	بخت/ثروت	a stroke of fortune
fate	سرنوشت	—

CharbZabar.com

۵.4. دانش، آموزش، کار و ارتباطات Knowledge, work & communication

This information is useful, but I need more advice.

این اطلاعات مفید است، اما به توصیهٔ بیشتری نیاز دارم.

information و advice هر دو U هستند.

اسم (U)	معنی	واحد شمارش یا الگوی رایج
education	آموزش	a system of education
schooling	تحصیلات رسمی	years of schooling
training	آموزش عملی	a course/period of training
instruction	آموزش یا دستورالعمل	a set of instructions
learning	یادگیری	a process of learning
teaching	تدریس	a method of teaching
research	پژوهش	a piece of research
science	علم	a branch of science
mathematics	ریاضیات	—
maths	ریاضیات	—
math	ریاضیات	—
physics	فیزیک	—
chemistry	شیمی	—
biology	زیست‌شناسی	—
geography	جغرافیا	—
history	تاریخ به‌صورت دانش	a period of history
literature	ادبیات	a work of literature
philosophy	فلسفه	a branch of philosophy
psychology	روان‌شناسی	—
sociology	جامعه‌شناسی	—
economics	اقتصاد	—
politics	سیاست	—
law	حقوق به‌صورت رشته/نظام	a branch of law
medicine	پزشکی	a branch of medicine
engineering	مهندسی	a branch of engineering
architecture	معماری	—
art	هنر	a work of art
music	موسیقی	a piece of music
poetry	شعر	a book of poetry
drama	نمایش‌نامه‌نویسی/درام	a piece of drama
grammar	دستور زبان	a point of grammar
vocabulary	واژگان	an item of vocabulary

CharbZaban.com

pronunciation	تلفظ	—
spelling	املاء	—
slang	عامیانه‌زبان	—
English	زبان انگلیسی	—
Persian	زبان فارسی	—
Arabic	زبان عربی	—
French	زبان فرانسه	—
German	زبان آلمانی	—
Spanish	زبان اسپانیایی	—
Chinese	زبان چینی	—
Japanese	زبان ژاپنی	—
information	اطلاعات	a piece/item of information
news	اخبار	a piece/item of news
advice	توصیه	a piece/word of advice
knowledge	دانش	a body of knowledge
evidence	شواهد	a piece of evidence
proof	اثبات/مدرک	a piece of proof
data	داده‌ها؛ در استفاده عمومی اغلب U	a set/piece of data
feedback	بازخورد	a piece of feedback
criticism	انتقاد	a piece of criticism
praise	تحسین	a word of praise
gossip	شایعه/سخن‌چینی	a piece of gossip
humour	شوخ‌طبعی	a sense of humour
nonsense	بی‌معنایی	a load of nonsense
work	کار	a piece/load of work
homework	تکالیف	a piece of homework
housework	کار خانه	a load of housework
coursework	تکالیف درسی	a piece of coursework
business	تجارت/امور کاری	a line of business
trade	تجارت	a volume of trade
commerce	بازرگانی	—
industry	صنعت به‌صورت کلی	a branch of industry
agriculture	کشاورزی	—
employment	اشتغال	—
unemployment	بیکاری	—
labour	نیروی کار/کار	a supply of labour
experience	تجربه به‌صورت کلی	years of experience
practice	تمرین	a lot of practice
revision	مرور درس	—

CharbZaban.com

help	کمک	a lot of help
assistance	یاری	—
support	پشتیبانی	—
cooperation	همکاری	—
collaboration	همکاری مشترک	—
teamwork	کار تیمی	—
communication	ارتباط	a means of communication
permission	اجازه	—
access	دسترسی	—
attention	توجه	—
concentration	تمرکز	—

۵.5. ورزش، تفریح و فعالیت‌ها Sports, leisure & activities

Swimming is good exercise.
شنا ورزش خوبی است.
نام فعالیت با ing معمولاً U است.

اسم (U)	معنی	واحد شمارش یا الگوی رایج
sport	ورزش به‌صورت کلی	a form of sport
exercise	ورزش/فعالیت بدنی	a form of exercise
football	فوتبال	a game of football
soccer	فوتبال	a game of soccer
basketball	بسکتبال	a game of basketball
volleyball	والیبال	a game of volleyball
tennis	تنیس	a game of tennis
badminton	بدمینتون	a game of badminton
cricket	کریکت	a game of cricket
baseball	بیس‌بال	a game of baseball
golf	گلف	a round of golf
hockey	هاکی	a game of hockey
rugby	راگبی	a game of rugby
boxing	بوکس	—
wrestling	کشتی	—
judo	جودو	—
karate	کاراته	—
swimming	شنا	—
running	دویدن	—
jogging	دو آرام	—
cycling	دوچرخه‌سواری	—

CharbZaban.com

hiking	پیاده‌روی طبیعت	—
climbing	صعود/سنگ‌نوردی	—
skiing	اسکی	—
skating	اسکیت	—
dancing	رقص	—
singing	آواز خواندن	—
reading	مطالعه	—
writing	نوشتن	—
drawing	طراحی	—
painting	نقاشی کردن	—
gardening	باغبانی	—
cooking	آشپزی	—
baking	نان/شیرینی پختن	—
shopping	خرید	—
travelling	سفر کردن	—
camping	اردو زدن	—
fishing	ماهی‌گیری	—
hunting	شکار	—
yoga	یوگا	—
meditation	مراقبه	—
relaxation	استراحت	—
recreation	تفریح و بازی	—
entertainment	سرگرمی	a form of entertainment
leisure	اوقات فراغت	—
play	بازی به‌صورت کلی	—
sleep	خواب	a good night’s sleep
rest	استراحت	a period of rest

۵.6. طبیعت، هوا و پدیده‌ها Nature & weather

The weather is cold and there isn’t much sunshine.

هوا سرد است و آفتاب زیادی نیست.

weather و sunshine با فعل مفرد.

اسم (U)	معنی	واحد شمارش یا الگوی رایج
weather	هوا	a spell/period of good weather
climate	آب‌وهوا	—
rain	باران	a shower/spell of rain
snow	برف	a fall/flurry of snow
hail	تگرگ	a hailstone

CharbZaban.com

sleet	باران و برف	—
fog	مه	a bank/patch of fog
mist	مه رقیق	a bank of mist
cloud	ابر به‌صورت کلی	a mass of cloud
wind	باد	a gust of wind
lightning	برق آسمان	a flash of lightning
thunder	رعد	a clap/rumble of thunder
sunshine	آفتاب	a ray of sunshine
sunlight	نور خورشید	a ray of sunlight
moonlight	مهتاب	—
daylight	نور روز	—
darkness	تاریکی	—
humidity	رطوبت	—
heat	گرما	a wave of heat
cold	سرما	—
frost	یخبندان/شبنم یخ‌زده	—
ice	یخ	—
water	آب	—
nature	طبیعت	—
scenery	منظره	—
wildlife	حیات وحش	—
vegetation	پوشش گیاهی	—
pollution	آلودگی	a source of pollution
smog	مه‌دود	—
litter	زبالهٔ پراکنده	a piece of litter
rubbish	زباله	a pile/piece of rubbish
garbage	زباله	a bag/pile of garbage
waste	پسماند	a tonne of waste
recycling	بازیافت	—

۵.7. وسایل مجموعه‌ای و واژگان پرخطا Collective & high-frequency uncountables

My luggage is heavy and this equipment is new.

بار سفرم سنگین است و این تجهیزات نو هستند.

luggage و equipment هر دو U؛ نه luggages و نه equipments.

اسم (U)	معنی	واحد شمارش یا الگوی رایج
furniture	مبلمان	a piece/item of furniture
luggage	چمدان‌ها و بار سفر	a piece/item of luggage
baggage	بار سفر	a piece/item of baggage

CharbZaban.com

equipment	تجهیزات	a piece/item of equipment
machinery	ماشین‌آلات	a piece of machinery
clothing	پوشاک	an item/article of clothing
underwear	لباس زیر	a piece of underwear
money	پول	a sum/amount of money
cash	پول نقد	—
change	پول خرد	a little change
currency	واحد پول به‌صورت کلی	—
capital	سرمایه	a sum of capital
wealth	ثروت	—
income	درآمد به‌صورت کلی	a source of income
expenditure	هزینه‌کرد	—
rent	اجاره	a month’s rent
interest	بهره	a rate of interest
debt	بدهی به‌صورت کلی	a burden of debt
insurance	بیمه	an insurance policy
mail	نامه‌ها/مرسولات	a piece of mail
post	پست/مرسولات در بریتانیایی	a piece of post
stationery	نوشت‌افزار	an item of stationery
cutlery	قاشق‌وچنگال	an item of cutlery
silverware	ظروف یا قاشق‌وچنگال نقره	—
crockery	ظروف چینی	an item of crockery
jewellery	زیورآلات	a piece/item of jewellery
makeup	آرایش	—
traffic	ترافیک	a traffic jam
transport	حمل‌ونقل	a means/mode of transport
transportation	حمل‌ونقل	a means of transportation
accommodation	اقامتگاه	a place/type of accommodation
lodging	محل اقامت	—
seating	جای نشستن مجموعه‌ای	—
bedding	رخت‌خواب	—
software	نرم‌افزار	a piece of software
hardware	سخت‌افزار	a piece of hardware
code	کد به‌صورت مجموعه	a line/piece of code
content	محتوا	a piece of content
scaffolding	داربست به‌صورت مجموعه	—
ammunition	مهمات	a round of ammunition
artillery	توپخانه	—
infantry	پیاده‌نظام	—

Charbzaban.com

behaviour	رفتار	a pattern/type of behaviour
conduct	رفتار رسمی	—

هشدار دربارهٔ برچسب U

برخی واژه‌های این فصل در معنای دیگر C می‌شوند؛ مثلاً coffee به‌معنی ماده U و به‌معنی یک سفارش C است. فصل بعدی این موارد را دقیق‌تر نشان می‌دهد.

CharbZaban.com

۶. واژه‌های دوجنسه C/U

در این واژه‌ها نمی‌توان فقط برچسب واژه را حفظ کرد. باید پرسید: «معنی ماده/مفهوم کلی است یا یک واحد/نوع/رویداد مشخص؟»

الگوهای اصلی تغییر معنی

الگو	U	C
ماده در برابر شیء	glass = شیشه	a glass = یک لیوان
غذا در برابر حیوان	chicken = گوشت مرغ	a chicken = یک مرغ
مفهوم کلی در برابر رویداد	experience = سابقه	an experience = یک تجربه
فضا در برابر مکان مشخص	room = جا	a room = یک اتاق
زمان در برابر دفعه	time = زمان	three times = سه بار
ماده/مقدار در برابر سفارش	coffee = قهوه	two coffees = دو فنجان قهوه
مفهوم کلی در برابر نوع	cheese = پنیر	French cheeses = انواع پنیر فرانسوی

واژه	معنی U + مثال	معنی C + مثال
paper	کاغذ (U) — a sheet of paper — یک برگ کاغذ	روزنامه/مقاله/امتحان (C) — a newspaper, a research paper, two exam papers
glass	شیشه (U) — The table is made of glass.	لیوان (C) — Two glasses of water, please.
wood	چوب (U) — This chair is made of wood.	جنگلک (C؛ معمولاً wood/woods) — We walked through a small wood.
iron	آهن (U) — Iron is a strong metal.	اتو (C) — I need a new iron.
chicken	گوشت مرغ (U) — We had chicken for dinner.	مرغ/جوجه (C) — The farmer keeps twenty chickens.
fish	ماهی به‌صورت خوراک (U) — I don’t eat much fish.	یک ماهی (C؛ جمع معمول fish) — She caught three fish.
turkey	گوشت بوقلمون (U) — We served turkey.	بوقلمون (C) — There are five turkeys on the farm.
lamb	گوشت بره (U) — This lamb is tender.	بره (C) — The lambs are in the field.
cake	کیک به‌صورت ماده/سهم (U) — Would you like some cake?	کیک کامل (C) — She baked two cakes.
chocolate	شکلات به‌صورت ماده (U) — I ate too much chocolate.	شکلات کوچک (C) — The box contains twelve chocolates.
coffee	قهوه (U) — I drink coffee every morning.	یک فنجان/سفارش قهوه (C، محاوره) — Two coffees, please.
tea	چای (U) — Tea is popular in Iran.	یک فنجان/نوع چای (C) — Two teas and an herbal tea, please.
beer	آبجو (U) — Beer is made from grain.	یک لیوان/بطری آبجو (C) — They ordered three beers.
wine	شراب (U) — This region produces wine.	یک نوع/لیوان شراب (C) — The shop sells fine wines.
water	آب (U) — Drink plenty of water.	آب‌های منطقه یا سفارش آب (C، خاص) — the coastal waters; two waters, please

Charbzaban.com

time	I don’t have much time — (U) زمان.	I called three times; a — (C) دفعه/بار یا دوره difficult time
space	There isn’t enough space — (U) فضا.	Leave two spaces — (C) فاصله یا ناحیهٔ مشخص between words.
room	There is no room for another — (U) جا/فضا desk.	The house has four rooms — (C) اتاق.
light	There wasn’t much light — (U) نور.	Turn off the lights — (C) چراغ.
hair	She has long hair — (U) موها به‌صورت مجموعه.	There is a hair in my soup — (C) یک تار مو.
experience	She has ten years of — (U) تجربه/سابقه experience.	It was a strange experience — (C) تجربه/رویداد.
work	I have a lot of work to do — (U) کار.	the works of Rumi; a — (C) اثر هنری/علمی work of art
business	Business is improving — (U) تجارت/امور کاری.	She owns two — (C) شرکت/کسب‌وکار businesses.
industry	Industry employs — (U) صنعت به‌صورت کلی many people.	The tourism industry; — (C) یک صنعت مشخص major industries
history	I’m interested in — (U) تاریخ به‌صورت دانش history.	a history of Iran; a — (C) تاریخ/پروندهٔ مشخص medical history
art	She studies art — (U) هنر.	the art of — (C) یک هنر/مهارت مشخص negotiation; the visual arts
science	Science changes our lives — (U) علم.	Physics and biology are — (C) یک شاخهٔ علمی sciences.
language	Language — (U) زبان به‌صورت توانایی/سامانه develops in childhood.	Persian is a language; — (C) یک زبان مشخص three languages
culture	Culture shapes — (U) فرهنگ به‌صورت کلی identity.	different cultures — (C) یک فرهنگ مشخص
life	Life can be — (U) زندگی به‌صورت کلی unpredictable.	He saved three — (C) یک زندگی/جان/دورهٔ زندگی lives; a happy life
death	Death is a natural — (U) مرگ به‌صورت مفهوم part of life.	The storm caused two deaths — (C) مورد مرگ.
success	Hard work leads to success — (U) موفقیت.	The event was a success — (C) فرد/کار موفق.
failure	We learn from — (U) شکست به‌صورت کلی failure.	The project was a — (C) فرد/کار ناموفق یا خرابی failure.
difficulty	I had difficulty understanding — (U) دشواری.	We faced several — (C) مشکل مشخص difficulties.
danger	The children were in danger — (U) خطر.	the dangers of smoking — (C) خطر مشخص
risk	There is some risk involved — (U) ریسک کلی.	Smoking is a health risk — (C) خطر مشخص.
fear	She trembled with fear — (U) ترس کلی.	He has a fear of heights — (C) ترس مشخص.
pleasure	I read for pleasure — (U) لذت.	It was a pleasure to — (C) کار لذت‌بخش/افتخار meet you.
pain	He is in pain — (U) درد کلی.	a sharp pain; — (C) درد موضعی یا رنج مشخص aches and pains
exercise	Regular exercise is — (U) ورزش/تمرین کلی important.	Do exercise 3; breathing — (C) تمرین مشخص exercises
practice	Practice makes perfect — (U) تمرین/عمل.	a dental practice; — (C) مطب/دفتر یا رویه common practices

Charzaban.com

skill	مهارت کلی (U) — The job requires skill.	یک مهارت مشخص (C) — reading and writing skills
ability	توانایی کلی (U) — Her ability is impressive.	توانایی مشخص (C) — language abilities
conversation	گفت‌وگو کلی (U) — Conversation flowed easily.	یک گفت‌وگو (C) — We had a long conversation.
discussion	بحث کلی (U) — The topic needs discussion.	یک بحث (C) — We had two discussions.
noise	سر و صدا (U) — Don’t make so much noise.	صدای مشخص (C) — I heard a strange noise.
sound	صدا (U) — Sound travels through air.	یک صدای مشخص (C) — I heard three sounds.
fruit	میوه به‌صورت عمومی (U) — Eat more fruit.	نوع میوه یا ثمره (C) — the fruits of his labour; tropical fruits
food	غذا (U) — We need food and water.	نوع غذا (C) — baby foods; healthy foods
bread	نان (U) — We bought some bread.	نوع نان (C، در کاربرد تخصصی/تجاری) — The bakery sells several breads.
cheese	پنیر (U) — I ate some cheese.	نوع پنیر (C) — French cheeses are famous.
meat	گوشت (U) — I don’t eat meat.	نوع گوشت (C) — processed meats
salad	سالاد به‌صورت غذا (U) — I had salad for lunch.	یک ظرف/نوع سالاد (C) — I ordered a chicken salad.
pizza	پیتزا به‌صورت سهم (U) — We had pizza last night.	یک پیتزای کامل (C) — I ordered two pizzas.
sport	ورزش به‌صورت کلی (U) — I’m not interested in sport.	یک رشتهٔ ورزشی (C) — Football is a popular sport.
change	تغییر کلی یا پول خرد (U) — Change is inevitable; I have no change.	یک تغییر مشخص (C) — We made three changes.
damage	خسارت (U) — The flood caused damage.	خسارات پولی: damages، فقط حقوقی و جمع — The court awarded damages.
accommodation	اقامتگاه (U) — We found accommodation.	در آمریکایی گاهی accommodations به‌صورت جمع — hotel accommodations
travel	سفر به‌صورت کلی (U) — Travel broadens the mind.	سفرها در کاربرد ادبی/جمع: travels — She wrote about her travels.
land	زمین/خاک/خشکی (U) — They own some land.	سرزمین (C، ادبی/رسمی) — a foreign land
country	روستا/طبیعت خارج شهر (the با U) — We live in the country.	کشور (C) — Iran is a country in Asia.
youth	جوانی یا جوانان به‌صورت مجموعه (U) — Youth is a time of change.	یک جوان (C، رسمی) — a gang of youths
memory	حافظه/قدرت به‌یادآوری (U) — She has an excellent memory.	یک خاطره (C) — childhood memories
knowledge	دانش (U) — Knowledge is valuable.	a knowledge of… به‌معنی آشنایی، نه دو دانش — She has a good knowledge of English.
education	آموزش (U) — Education is a basic right.	an education به‌معنی یک دوره/سطح تحصیل — He received a good education.
weather	هوا (U) — The weather is nice.	هواهای مختلف فقط در عبارت‌های خاص — in all weathers
news	اخبار (U؛ ظاهراً جمع ولی فعل مفرد) — The news is good.	یک خبر = a news item — I read two news items.
data	داده‌ها در کاربرد عمومی (U) — The data is reliable.	در علمی می‌تواند جمع datum باشد و فعل جمع بگیرد — These data are consistent.

Charbzaban.com

جمع نوع‌ها: چرا cheeses یا wines درست است؟

اسامی مواد و خوراک معمولاً U هستند، اما وقتی به «انواع» اشاره کنیم می‌توان آن‌ها را شمرد. این کاربرد در منوها، تجارت و متون تخصصی رایج است: three Italian cheeses, several red wines. در گفتار روزمره برای مقدار، همان واحد ظرف یا وزن طبیعی‌تر است.

سفارش در کافه

Two coffees, please به‌معنی دو فنجان/سفارش قهوه کاملاً طبیعی است. این مثال نشان نمی‌دهد که coffee همیشه C است؛ در I don’t drink much coffee هنوز U است.

CharbZaban.com

۷. واحدهای شمارش

برای شمردن U، خود اسم را جمع نکنید؛ یک واحد قابل‌شمارش پیش از آن بیاورید: a piece of advice → two pieces of advice.

I need three pieces of information.
به سه مورد اطلاعات نیاز دارم.
piece جمع می‌شود، نه information.

We bought two loaves of bread and a kilo of rice.
دو قرص نان و یک کیلو برنج خریدیم.
loaf واحد C است؛ rice بدون جمع می‌ماند.

واحد	معنی فارسی	اسم‌های رایج
a piece of	یک تکه/یک مورد	advice, information, furniture, news, equipment, cake, paper, wood
an item of	یک قلم/مورد	information, clothing, furniture, equipment, news, luggage
a bit of	کمی/مقدار کمی	advice, information, luck, help, rain, fun
a little	کمی	water, money, time, sugar, patience
a great deal of	مقدار زیادی	time, money, work, effort, experience
a large amount of	مقدار زیادی	money, water, data, information
a quantity of	مقداری	water, food, material
a sum of	مبلغی	money
an amount of	مقداری	money, time, energy, data
a glass of	یک لیوان	water, milk, juice, wine
a cup of	یک فنجان	tea, coffee, hot chocolate
a mug of	یک لیوان دسته‌دار	tea, coffee, cocoa
a bottle of	یک بطری	water, milk, wine, shampoo, oil
a can of	یک قوطی	beer, cola, soup, tuna
a tin of	یک قوطی	tuna, tomatoes, paint
a carton of	یک پاکت	milk, juice, cream
a packet of	یک بسته	rice, sugar, biscuits, cereal
a bag of	یک کیسه	rice, flour, sugar, sand, rubbish
a box of	یک جعبه	chocolates, matches, cereal
a jar of	یک شیشه دردار	jam, honey, mayonnaise
a tube of	یک تیپ	toothpaste, glue, cream
a bar of	یک قالب	soap, chocolate, gold
a loaf of	یک قرص	bread
a slice of	یک برش	bread, cake, cheese, pizza, meat
a piece of cake	یک تکه کیک	cake
a bowl of	یک کاسه	soup, rice, cereal, salad
a plate of	یک بشقاب	rice, pasta, food

CharbZaban.com

sugar, salt, honey, medicine	یک قاشق	a spoonful of
sugar, salt, oil	یک قاشق چای‌خوری	a teaspoon of
oil, flour, sugar	یک قاشق غذاخوری	a tablespoon of
salt, pepper, sugar	یک پینچ/ذره	a pinch of
rice, sand, salt, wheat	یک دانه	a grain of
water, blood, oil, rain	یک قطره	a drop of
light, sunshine, hope	یک پرتو	a ray of
light, sunlight	یک باریکه	a beam of
lightning, inspiration	یک برق/درخشش ناگهانی	a flash of
thunder	یک صدای شدید	a clap of
thunder	یک غرش	a rumble of
wind	یک وزش ناگهانی	a gust of
fresh air	یک نفس	a breath of
smoke, wind	یک دمیدن/ابر کوچک	a puff of
smoke, dust, steam	یک ابر/توده	a cloud of
dust, dirt	یک ذره	a speck of
sand, soil, rice	یک مشت	a handful of
rubbish, dirt, clothes (C/U بر حسب عضو)	یک توده	a pile of
rubbish, sand	یک انباره	a heap of
ice, concrete, stone, wood	یک بلوک	a block of
ice, sugar	یک مکعب	a cube of
paper, glass, metal	یک ورق	a sheet of
glass	یک ورقه شیشه	a pane of
paper, cloth, land	یک نوار	a strip of
rope, fabric, wire	یک طول	a length of
sugar, clay, dough, coal	یک تکه/توده	a lump of
wool, dough, cotton	یک گلوله	a ball of
chalk, cinnamon, butter (آمریکایی)	یک چوب/شاخه	a stick of
garlic	یک حبه	a clove of
garlic	یک پیاز	a bulb of
parsley, herbs	یک شاخه کوچک	a sprig of
lettuce, cabbage; cattle	یک کاهو/کلم یا رأس دام	a head of
corn	یک بلال	an ear of
corn	یک دانه	a kernel of
bacon	یک برش نازک	a rasher of
fish	یک فیله	a fillet of
meat, beef	یک قطعه	a cut of
food, rice, pasta	یک سهم	a portion of
food, rice, vegetables	یک وعدهٔ سرو	a serving of
golf; ammunition	یک دور/یک فشنگ	a round of

Charbzaban.com

a game of	یک بازی	football, tennis, chess
a match of	یک مسابقه	football, tennis
a piece of music	یک قطعه موسیقی	music
a work of art	یک اثر هنری	art
a branch of	یک شاخه	science, medicine, knowledge
a body of	یک مجموعهٔ دانش/شواهد	knowledge, evidence, research
a set of	یک مجموعه	data, instructions, furniture
a source of	یک منبع	information, energy, income, stress
a means of	یک وسیله	transport, communication
a mode of	یک شیوه	transport, communication
a period of	یک دوره	time, peace, history, rain
a spell of	یک دورهٔ کوتاه	rain, good weather, cold weather
a fit of	یک حمله	anger, coughing
an outburst of	یک انفجار ناگهانی	anger, emotion
a sense of	یک حس	humour, relief, responsibility
a feeling of	یک احساس	joy, fear, anxiety
an act of	یک عمل	kindness, courage, generosity
a word of	یک جمله/سخن کوتاه	advice, warning, praise
a stroke of	یک اتفاق خوش‌شانس/ناگهانی	luck, genius
a load of	مقدار زیادی/یک بار	work, rubbish, laundry
a traffic jam	یک ترافیک/ازدحام	traffic
a litre of	یک لیتر	water, petrol, milk
a kilo of	یک کیلو	rice, meat, flour
a tonne of	یک تن	waste, coal, grain
a metre of	یک متر	fabric, rope, cable

انتخاب واحد طبیعی

- **ظرف:** a cup of tea, a bottle of milk, a jar of honey
- **شکل:** a loaf of bread, a sheet of paper, a drop of water
- **اندازه‌گیری:** a kilo of rice, a litre of petrol
- **مورد انتزاعی:** a piece of advice/news/information
- **رخداد طبیعی:** a flash of lightning, a clap of thunder

> **piece همیشه جواب نیست**
>
> a piece of water یا a piece of money در معنی عادی طبیعی نیست. واحد را متناسب با ماده یا مفهوم انتخاب کنید: a drop of water, a sum of money.

Charbzaban.com

۸. حالت‌های ویژه و اسامی جمعی

اسامی جمع‌شکل یا فقط جمع

این واژه‌ها معمولاً با فعل جمع می‌آیند. برای بسیاری از ابزارها و پوشاک دوتایی، a pair of واحد مفرد می‌سازد.

واژه	معنی	مثال	روش شمردن/نکته
clothes	لباس‌ها	My clothes are clean.	یک لباس: an item/article of clothing
trousers	شلوار	These trousers are new.	a pair of trousers
pants	شلوار/شورت بسته به گویش	These pants fit well.	a pair of pants
jeans	شلوار جین	My jeans are blue.	a pair of jeans
shorts	شلوارک	These shorts are too short.	a pair of shorts
pyjamas	لباس خواب	My pyjamas are comfortable.	a pair of pyjamas
glasses	عینک	My glasses are on the desk.	a pair of glasses
sunglasses	عینک آفتابی	These sunglasses are expensive.	a pair of sunglasses
scissors	قیچی	The scissors are sharp.	a pair of scissors
tweezers	موچین	The tweezers are in the drawer.	a pair of tweezers
binoculars	دوربین شکاری	These binoculars are powerful.	a pair of binoculars
headphones	هدفون	My headphones are wireless.	a pair of headphones
earphones	ایرفون	These earphones are mine.	a pair of earphones
stairs	پله‌ها	The stairs are steep.	یک پله: a step
goods	کالاها	These goods are imported.	یک کالا: a product/item
contents	محتویات	The contents are listed below.	محتوا: content
savings	پس‌اندازها	My savings are in the bank.	مقدار پس‌انداز: an amount of savings
wages	دستمزدها	Wages are rising.	دستمزد کلی: pay
outskirts	حومه	The outskirts are quiet.	on the outskirts of town
premises	ساختمان و زمین یک مجموعه	The premises are monitored.	on the premises
surroundings	اطراف/محیط پیرامون	The surroundings are beautiful.	the surrounding area
belongings	وسایل شخصی	My belongings are in the locker.	a personal item
arms	سلاح‌ها	The arms were seized.	یک سلاح: a weapon
customs	گمرک	Customs is/are… /بسته به نهاد اقلام	go through customs
police	پلیس؛ همیشه فعل جمع	The police are here.	یک افسر: a police officer
people	مردم؛ معمولاً جمع person	People are waiting.	یک نفر: a person
cattle	گاوها؛ همیشه فعل جمع	The cattle are grazing.	یک رأس: a head of cattle
clergy	روحانیان؛ فعل جمع	The clergy were present.	a member of the clergy

chanzaban.com

vermin	آفات؛ فعل جمع	Vermin are a problem.	a pest
thanks	تشکر	Thanks are due to everyone.	thank you
congratulations	تبریک	Congratulations are in order.	—
remains	بقایا	The remains were found nearby.	the rest/remainder

ظاهر جمع، فعل مفرد یا الگوی خاص

واژه	معنی	مثال	نکته
news	اخبار	The news is good.	مفرد U؛ a news نگویید.
mathematics / maths / math	ریاضیات	Mathematics is difficult.	نام رشته؛ فعل مفرد.
physics	فیزیک	Physics is interesting.	نام رشته؛ فعل مفرد.
economics	اقتصاد	Economics is a social science.	به‌معنی رشته مفرد؛ در معنی وضع اقتصادی می‌تواند جمع.
politics	سیاست	Politics is complicated.	به‌معنی رشته/فعالیت سیاسی مفرد.
athletics	دوومیدانی	Athletics is popular.	به‌معنی رشته مفرد.
measles	سرخک	Measles is contagious.	نام بیماری؛ فعل مفرد.
mumps	اوریون	Mumps is a viral disease.	نام بیماری؛ فعل مفرد.
diabetes	دیابت	Diabetes is common.	U و فعل مفرد.
species	گونه	This species is rare; these species are rare.	مفرد و جمع یکسان.
series	مجموعه	This series is new; these series are new.	مفرد و جمع یکسان.
means	وسیله	One means is enough; other means are available.	مفرد و جمع یکسان.
crossroads	چهارراه	This crossroads is dangerous.	مفرد و جمع یکسان.
headquarters	ستاد مرکزی	The headquarters is/are in Tehran.	هر دو الگو شنیده می‌شود.
data	داده‌ها	The data is clear; these data are clear.	عمومی اغلب Uعلمی اغلب؛ جمع datum.
media	رسانه‌ها	The media are/is reporting it.	جمع medium؛ یا مفرد جمعی بافت تعیین می‌کند.
people	مردم	People are kind.	جمع person؛ peoples به‌معنی اقوام.
police	پلیس	The police are here.	فعل جمع؛ یک نفر police officer.
cattle	گاوها	The cattle are grazing.	فعل جمع؛ یک رأس a head of cattle.
family	خانواده	My family is/are supportive.	در بریتانیایی واحد یا اعضا.
team	تیم	The team is/are ready.	بریتانیایی هرis آمریکایی معمولاً ؛ دو.
government	دولت	The government has/have announced it.	واحد نهادی یا اعضا.
audience	مخاطبان/تماشاگران	The audience was/were enthusiastic.	واحد یا اعضا.

CharbZaban.com

committee	کمیته	The committee meets/meet today.	بسته به گویش و نگاه واحد/اعضا.
staff	کارکنان	The staff is/are helpful.	معمولاً a staff member؛ یک نفر a staff نه.
crew	خدمه	The crew is/are on board.	اسم جمعی.
public	عموم مردم	The public is/are interested.	با the.
youth	جوانان/جوانی	The youth of today are… / Youth is…	دو کاربرد متفاوت.

اسامی جمعی: واحد یا اعضا؟

واژه‌هایی مانند team, family, government می‌توانند یک مجموعه را به‌صورت واحد یا اعضای آن را نشان دهند. در AmE فعل مفرد رایج‌تر است؛ در BrE هر دو ممکن است. ضمیر و فعل باید با نگاه انتخابی سازگار باشند.

The team is playing well.
تیم خوب بازی می‌کند.
تیم به‌صورت یک واحد؛ الگوی رایج در هر دو گویش.

The team are arguing among themselves. (BrE)
اعضای تیم با یکدیگر بحث می‌کنند.
تمرکز بر اعضا و فعل جمع در بریتانیایی.

staff

معمولاً a staff نگویید. برای یک نفر بگویید a staff member یا a member of staff. برای مجموعه: The staff is/are…

CharbZaban.com

۹. خطاهای رایج فارسی‌زبانان

این جدول را مانند یک چک‌لیست ویرایش استفاده کنید. ابتدا ستون نادرست را بپوشانید و شکل درست را از حافظه بسازید.

نادرست	درست	دلیل + مثال
an advice / advices	some advice / a piece of advice	advice غیرقابل‌شمارش است. He gave me a piece of advice.
an information / informations	some information / an item of information	information غیرقابل‌شمارش است. We need more information.
a news / news are	a news item / the news is	news با s ظاهری، مفرد و غیرقابل‌شمارش است. The news is surprising.
a furniture / furnitures	a piece of furniture / furniture	furniture مجموعه‌ای و غیرقابل‌شمارش است. We bought two pieces of furniture.
a luggage / luggages	a piece of luggage / luggage	luggage و baggage غیرقابل‌شمارش‌اند. My luggage is heavy.
an equipment / equipments	a piece of equipment / equipment	equipment همیشه غیرقابل‌شمارش است. This equipment is expensive.
a homework / homeworks	a homework assignment / homework	homework غیرقابل‌شمارش است. I have a lot of homework.
a research / researches	a research study / research	research معمولاً U است؛ برای پروژه از study/project استفاده کنید. They conducted two studies.
a work to earn money	a job	work یعنی کار، job یعنی شغل. She found a new job.
many money	a lot of money / much money	money غیرقابل‌شمارش است. I don’t have much money.
many informations	a lot of information	many فقط با جمع قابل‌شمارش می‌آید. There is a lot of information online.
much books	many books	much در جملهٔ مثبت روزمره کمتر رایج است؛ many برای books. I have many books.
a few water	a little water	a few برای C جمع و a little برای U. We have a little water.
a little students	a few students	students قابل‌شمارش است. A few students stayed behind.
less people	fewer people	در انگلیسی معیار، fewer برای اسامی شمارش‌پذیر. Fewer people came this year.
less books	fewer books	books جمع C است. I own fewer books now.
the amount of people	the number of people	number برای C و amount برای U. The number of visitors increased.
the number of money	the amount of money	money غیرقابل‌شمارش است. The amount of money was small.
two breads	two loaves/slices of bread	bread غیرقابل‌شمارش است. I bought two loaves of bread.
three rices	three grains/servings of rice	rice غیرقابل‌شمارش است. We ordered three servings of rice.
two waters (در معنی عمومی)	two bottles/glasses of water	water معمولاً U است؛ two waters فقط به‌معنی دو سفارش رایج است. Two glasses of water, please.

Charbzaban.com

a hair (برای همه موها)	hair	hair در معنی مجموعه U است. She has beautiful hair.
hairs (برای همه موها)	hair	hairs معمولاً چند تار موست. There are two hairs on your coat.
a scenery / sceneries	a view / some scenery	scenery غیرقابل‌شمارش است. The scenery is beautiful.
a weather / weathers	good weather / a spell of weather	weather غیرقابل‌شمارش است. We had good weather.
a traffic / traffics	a traffic jam / heavy traffic	traffic غیرقابل‌شمارش است. Traffic is heavy today.
a software / softwares	a software program / software	software غیرقابل‌شمارش است. I installed two programs.
a feedback / feedbacks	some feedback / a comment	feedback غیرقابل‌شمارش است. She gave me useful feedback.
an evidence / evidences	a piece of evidence / evidence	evidence غیرقابل‌شمارش است. They found new evidence.
a knowledge / knowledges	knowledge / a good knowledge of…	knowledge معمولاً U است اما a knowledge of درست است. She has a good knowledge of Persian.
a progress / progresses	progress / make progress	progress غیرقابل‌شمارش است. You have made great progress.
a behaviour / behaviours (در معنی کلی)	behaviour / a type of behaviour	در روان‌شناسی behaviours برای رفتارهای مشخص ممکن است. His behaviour was polite.
a clothing / clothings	an item of clothing / clothes	clothing مجموعه‌ای U است. I packed warm clothing.
a stuff / stuffs	some stuff / a thing	stuff محاوره و غیرقابل‌شمارش است. Where is my stuff?
two persons (در گفتار عادی)	two people	people جمع طبیعی person است؛ persons رسمی/حقوقی است. Two people called.
the police is	the police are	police همیشه فعل جمع می‌گیرد. The police are investigating.
a police	a police officer	برای یک فرد از officer استفاده کنید. A police officer helped me.
the cattle is	the cattle are	cattle جمع است. The cattle are in the field.
a cattle	a cow / a head of cattle	برای یک حیوان cow یا head of cattle. The farmer owns fifty head of cattle.
a scissors	a pair of scissors	scissors جمع‌شکل است. These scissors are sharp.
a trousers	a pair of trousers	trousers همیشه جمع است. This pair of trousers fits.
a glasses	a pair of glasses	glasses یعنی عینک همیشه جمع است. My glasses are new.
a means are	a means is	means می‌تواند مفرد یا جمع باشد. This means is effective; these means are effective.
a series are	a series is	series در مفرد و جمع یکسان است. This series is popular.
Mathematics are difficult.	Mathematics is difficult.	رشته‌های تحصیلی ds دار معمولاً مفردند. Physics is my favourite subject.

Charpzaban.com

The team are winning (آمریکایی)	The team is winning (آمریکایی)	در بریتانیایی هر دو الگو برای collective nouns ممکن است. The team is/are playing well.
I have two luggages.	I have two bags/suitcases.	برای شمردن، خود چمدان را بشمارید. I have two suitcases.
There are much chairs.	There are many chairs.	chairs جمع C است. There are many chairs.
There is many water.	There is a lot of water.	water مفرد U است اما much در این جمله طبیعی نیست. There is a lot of water.
I need some advices.	I need some advice.	advice را جمع نبندید. I need some advice.

پنج خطای ساختاری

1. اضافه‌کردن s- به U: informations, advices, furnitures نادرست است.
2. گذاشتن a/an پیش از U: an advice نادرست است، ولی a piece of advice درست.
3. به‌کاربردن many با U یا much با C جمع.
4. جمع‌کردن واحد و ماده با هم: درست است two pieces of bread، نه two piece of breads.
5. انتخاب فعل بر اساس شکل ظاهری: The news is… ولی The police are….

CharbZaban.com

۱۰. کاربرد در گفتار و نوشتار

در فرهنگ لغت چه چیزی را ببینیم؟

1. برچسب [C] یا [U] کنار همان معنی، نه فقط کنار واژه.
2. مثال فرهنگ: آیا با a/an، عدد، much یا many آمده است؟
3. جمع نامنظم و تلفظ.
4. واژه‌سازه‌های رایج: make progress، نه do progress.
5. گویش و سبک: accommodation/accommodations، data is/are.

there is / there are در گفتار

ساختار	نمونه	ترجمه
There is + C مفرد	There is a chair in the room.	یک صندلی در اتاق هست.
There are + C جمع	There are two chairs.	دو صندلی هست.
There is + U	There is some water.	کمی آب هست.
How many + C جمع	How many chairs are there?	چند صندلی هست؟
How much + U	How much water is there?	چقدر آب هست؟

نوشتار دانشگاهی و کاری

به‌جای...	بهتر بنویسید	نکته
many researches	numerous studies / a great deal of research	research معمولاً U.
an evidence	a piece of evidence	evidence غیرقابل‌شمارش.
feedbacks	feedback / comments	feedback معمولاً U.
a data	a data point / a piece of data	در کاربرد عمومی data U است.
a software	a software application / a program	software U است.
an accommodation	accommodation / a place to stay	در BrE معمولاً U.
a lot of (رسمی)	many / much / a great deal of	در متن رسمی گزینهٔ دقیق‌تر انتخاب کنید.

راهبرد وقتی نوع اسم را نمی‌دانید

- در C مفرد، از a/an یا تعیین‌کنندهٔ دیگر استفاده کنید؛ معمولاً اسم مفرد C تنها نمی‌آید.
- اگر معنی عمومی است و در شک هستید، جمله را بازنویسی کنید؛ مثلاً به‌جای حدس‌زدن جمع research بگویید two studies.
- برای غذا و نوشیدنی، واحد طبیعی را انتخاب کنید: a slice of bread, a bowl of soup.
- در تولید جمله، واژه را همراه با الگو حفظ کنید: an item of news، نه فقط news = خبر.

Charbzaban.com

قاعدهٔ ایمن برای نوشتار

پس از نوشتن، همهٔ a/an و جمع‌ها را علامت بزنید و بررسی کنید اسم مقابل واقعاً C است یا نه. سپس many/much و few/little و is/are را بررسی کنید.

CharbZaban.com

۱۱. تمرین‌های جامع

پاسخ‌ها در فصل بعد آمده‌اند. ابتدا بدون مراجعه به جدول‌ها پاسخ دهید و نمرهٔ خود را ثبت کنید.

تمرین ۱: گزینهٔ درست — ۳۰ سؤال

1. I need ___ information about the course.

A) some B) a C) an D) many

2. She gave me two useful ___.

A) pieces of advice B) advices C) advice D) advise

3. There ___ too much furniture in the room.

A) is B) are C) be D) were

4. How ___ money do you need?

A) much B) many C) few D) several

5. How ___ students attended?

A) many B) much C) little D) amount

6. We bought ___ loaves of bread.

A) three B) three rices C) much D) a little

7. Only ___ water is left.

A) a little B) a few C) many D) several

8. Only ___ tickets are left.

A) a few B) a little C) much D) less

9. The police ___ investigating.

A) are B) is C) was D) be

10. Mathematics ___ my favourite subject.

A) is B) are C) were D) be

11. I heard a strange ___ last night.

A) noise B) noises are C) much noise D) noise are

12. I couldn’t sleep because of the ___.

A) noise B) noises item C) noises are D) noisy

13. This pair of scissors ___ sharp.

A) is B) are C) be D) were

14. These scissors ___ sharp.

A) are B) is C) was D) be

CharbZaban.com

15. The news ___ encouraging.

A) is B) are C) were D) be

16. We had ___ for dinner: rice, chicken and salad.

A) food B) foods item C) a food D) many food

17. She has five years of teaching ___.

A) experience B) experiences C) an experience D) experience items

18. It was an unforgettable ___.

A) experience B) experiences are C) much experience D) experience of work

19. There isn't enough ___ for another chair.

A) room B) rooms C) a room D) room are

20. The apartment has three ___.

A) rooms B) room C) much room D) room of space

21. I have ___ work to finish.

A) a lot of B) many C) a few D) several

22. She has a new ___ in a bank.

A) job B) work C) works D) job of work

23. Shakespeare's ___ are read worldwide.

A) works B) work C) job D) works is

24. Please give me two ___ of paper.

A) sheets B) papers C) paper D) sheet

25. He published two research ___.

A) papers B) paper C) paper of research D) paper are

26. We ordered two ___ at the café.

A) coffees B) coffee C) coffee of cups D) much coffee

27. Iranian ___ is famous worldwide.

A) bread B) breads item C) a bread D) bread are

28. This bakery sells ten kinds of ___.

A) bread B) breads item C) a bread D) bread are

29. The farmer has fifty head of ___.

A) cattle B) cattles C) cow D) cowses

30. The team ___ celebrating its victory. (British English)

A) is/are B) only are C) only were D) be

CharbZaban.com

تمرین ۲: خطایابی و تصحیح — ۲۰ سؤال

هر جمله را به شکل درست بازنویسی کنید.

1. She gave me some useful advices.

2. I need an information.

3. There are many furnitures in the room.

4. He has much books.

5. We drank three waters and two breads.

6. The news are very interesting.

7. The police is looking for the thief.

8. I have two luggages.

9. She made a great progress.

10. There are less people here today.

11. A few milk is left.

12. Much students were absent.

13. The amount of cars is increasing.

14. The number of water is decreasing.

15. This equipments is new.

16. My hairs are long.

17. I saw two sheeps.

18. She has three childs.

19. These phenomenons are rare.

20. He bought a trousers.

تمرین ۳: واحد مناسب بسازید — ۲۰ سؤال

از روی اسم و واحد فارسی، عبارت انگلیسی کامل بسازید.

1. water / لیوان — a glass of water

2. bread / برش — a slice of bread

3. rice / دانه — a grain of rice

4. money / مبلغ — a sum of money

5. information / مورد — an item of information

CharbZaban.com

a piece of news — 6. news / خبر

a piece of furniture — 7. furniture / قطعه

a bar of chocolate — 8. chocolate / قالب

a bar of soap — 9. soap / قالب

a spoonful of honey — 10. honey / قاشق

a pinch of salt — 11. salt / پینچ

a handful of sand — 12. sand / مشت

a flash of lightning — 13. lightning / برق

a clap of thunder — 14. thunder / صدای رعد

a gust of wind — 15. wind / وزش

a sheet of paper — 16. paper / ورق

a cup of tea — 17. tea / فنجان

a jar of jam — 18. jam / شیشه

a piece of music — 19. music / قطعه

an act of kindness — 20. kindness / عمل

تمرین ۴: تشخیص معنی ۲۰ — C/U سؤال

1. I need (a / some) paper to print this form.

2. She writes for (a / some) local paper.

3. There are three (glass / glasses) on the table.

4. The window is made of (glass / glasses).

5. I don’t have much (time / times) today.

6. I have visited Tehran several (time / times).

7. The farmer keeps ten (chicken / chickens).

8. We ate (chicken / chickens) for lunch.

9. She has long (hair / hairs).

10. There is (a hair / hair) in my food.

11. He has a lot of (experience / experiences) in sales.

12. The trip was a wonderful (experience / experiences).

13. I have too much (work / works) today.

14. This museum displays (work / works) by Iranian artists.

CharbZaban.com

15. There is no (room / rooms) on the bus.

16. We booked two (room / rooms).

17. Would you like some (cake / cakes)?

18. She baked two (cake / cakes).

19. I had difficulty with the question. (معنی difficulty)

20. We faced many difficulties. (معنی difficulties)

آزمون سریع: برچسب بزنید — ۳۰ واژه

برای هر واژه C، U، C/U یا «جمع» بنویسید.

۱	۲	۳	۴	۵
1. advice	2. book	3. information	4. child	5. furniture
6. money	7. water	8. bottle	9. job	10. work
11. experience	12. room	13. paper	14. police	15. news
16. sheep	17. series	18. mathematics	19. traffic	20. vehicle
21. weather	22. suitcase	23. luggage	24. scissors	25. hair
26. chicken	27. coffee	28. time	29. bread	30. loaf

CharbZaban.com

۱۲. پاسخ‌نامه

پاسخ تمرین ۱

1. **some** — some؛ چون information غیرقابل‌شمارش است.
2. **pieces of advice** — pieces of advice؛ advice جمع نمی‌شود.
3. **is** — is؛ furniture مفرد U است.
4. **much** — much؛ money غیرقابل‌شمارش است.
5. **many** — many؛ students جمع C است.
6. **three** — three؛ loaf قابل‌شمارش است.
7. **a little** — a little؛ water غیرقابل‌شمارش است.
8. **a few** — a few؛ tickets جمع C است.
9. **are** — are؛ police همیشه فعل جمع می‌گیرد.
10. **is** — is؛ نام رشته مفرد است.
11. **noise** — noise؛ a noise یعنی یک صدای مشخص.
12. **noise** — noise؛ سر و صدای عمومی U است.
13. **is** — is؛ فاعل pair مفرد است.
14. **are** — are؛ scissors جمع‌شکل است.
15. **is** — is؛ news مفرد U است.
16. **food** — food؛ غذا به‌صورت کلی U است.
17. **experience** — experience؛ سابقه U است.
18. **experience** — experience؛ یک رویداد C است.
19. **room** — room؛ به‌معنی فضا U است.
20. **rooms** — rooms؛ اتاق C است.
21. **a lot of** — a lot of؛ work غیرقابل‌شمارش است.
22. **job** — job؛ شغل C است.
23. **works** — works؛ آثار C است.
24. **sheets** — sheets؛ sheet قابل‌شمارش است.
25. **papers** — papers؛ مقاله C است.
26. **coffees** — coffees؛ دو سفارش قهوه در محاوره C است.
27. **bread** — bread؛ نان به‌صورت عمومی U است.
28. **bread** — bread؛ kinds of bread طبیعی‌تر است.
29. **cattle** — cattle؛ cattle جمع و بدون s است.
30. **is/are** — is/are؛ اسم جمعی در بریتانیایی هر دو را می‌پذیرد.

CharbZaban.com

پاسخ تمرین ۲

1. She gave me some useful advice.
2. I need some information. / I need an item of information.
3. There is a lot of furniture in the room.
4. He has many books.
5. We drank three glasses of water and ate two slices of bread.
6. The news is very interesting.
7. The police are looking for the thief.
8. I have two pieces of luggage. / I have two suitcases.
9. She made great progress.
10. There are fewer people here today.
11. A little milk is left.
12. Many students were absent.
13. The number of cars is increasing.
14. The amount of water is decreasing.
15. This equipment is new.
16. My hair is long.
17. I saw two sheep.
18. She has three children.
19. These phenomena are rare.
20. He bought a pair of trousers.

پاسخ تمرین ۳

1. a glass of water
2. a slice of bread
3. a grain of rice
4. a sum of money
5. an item of information
6. a piece of news
7. a piece of furniture
8. a bar of chocolate
9. a bar of soap
10. a spoonful of honey

CharbZaban.com

11. a pinch of salt

12. a handful of sand

13. a flash of lightning

14. a clap of thunder

15. a gust of wind

16. a sheet of paper

17. a cup of tea

18. a jar of jam

19. a piece of music

20. an act of kindness

پاسخ تمرین ۴

1. some؛ کاغذ ماده U است.

2. a؛ روزنامه C است.

3. glasses؛ لیوان C است.

4. glass؛ شیشه U است.

5. time؛ زمان U است.

6. times؛ دفعه C است.

7. chickens؛ حیوان C است.

8. chicken؛ خوراک U است.

9. hair؛ مجموعه موها U است.

10. a hair؛ یک تار مو C است.

11. experience؛ سابقه U است.

12. experience؛ یک رویداد C است.

13. work؛ کار U است.

14. works؛ آثار C است.

15. room؛ فضا U است.

16. rooms؛ اتاق C است.

17. cake؛ مقداری کیک U است.

18. cakes؛ دو کیک کامل C است.

19. دشواری؛ U.

20. مشکلات مشخص؛ C.

CharbZaban.com

پاسخ آزمون سریع

الف	ب	ج
1. advice = U	2. book = C	3. information = U
4. child = C	5. furniture = U	6. money = U
7. water = U	8. bottle = C	9. job = C
10. work = U	11. experience = C/U	12. room = C/U
13. paper = C/U	14. police = جمع	15. news = U
16. sheep = C؛ جمع یکسان	17. series = C؛ مفرد/جمع یکسان	18. mathematics = U/مفرد
19. traffic = U	20. vehicle = C	21. weather = U
22. suitcase = C	23. luggage = U	24. scissors = جمع‌شکل
25. hair = C/U	26. chicken = C/U	27. coffee = C/U
28. time = C/U	29. bread = U	30. loaf = C

CharbZaban.com

ضمیمه: مرور سریع و برنامهٔ یادگیری

مرور یک‌صفحه‌ای

اگر…	بگویید	مثال
یک واحد C مفرد	a/an + noun	a book
چند واحد C	number/many + plural	two books / many books
مقداری U	some/much + noun	some water / much water
یک واحد از U	unit + of + noun	a piece of advice
چند واحد از U	plural unit + of + noun	three pieces of advice
سؤال تعداد C	How many + plural?	How many books?
سؤال مقدار U	How much + noun?	How much water?
تعداد کم C	few / a few + plural	few books / a few books
مقدار کم U	little / a little + noun	little water / a little water
کمتر C	fewer + plural	fewer books
کمتر U	less + noun	less water

فهرست طلایی U برای حفظ‌کردن

advice • information • news • furniture • luggage • baggage • equipment • homework • housework • research • work • money • hair • weather • traffic • scenery • knowledge • progress • feedback • evidence • software • bread • rice • water • milk • music • art • fun • health • transport • accommodation

برنامهٔ ۱۴ روزه

روز	کار اصلی	خروجی
۱	فصل ۱ و ۲	جمله با a/some/much/many ۲۰
۲	فصل ۳	جمع ۳۰ اسم و ۱۰ جمله there is/are
۳	افراد و مشاغل	واژه + ۵ جمله ۲۰
۴	خانه و اشیای روزمره	واژه + توصیف اتاق ۲۰
۵	خوراکی‌های U و C	واحد شمارش + یک دیالوگ سفارش ۱۰
۶	مواد و مایعات	عبارت با a bottle/piece/drop of ۱۵
۷	مفاهیم انتزاعی	جمله بدون a/an ۱۰
۸	آموزش و کار	واژهٔ پرخطا + یک پاراگراف ۱۰
۹	حیوانات، طبیعت و هوا	جمع نامنظم + ۱۰ جمله ۱۰
۱۰	فصل ۶	جفت مثال C/U ۲۰
۱۱	فصل ۷ و ۸	واحد و ۱۰ اسم جمع‌شکل ۲۵
۱۲	فصل ۹ و ۱۰	تصحیح ۲۰ خطا و ویرایش متن خود
۱۳	تمرین‌های فصل ۱۱	ثبت نمره و فهرست خطاها
۱۴	رفع نقاط ضعف	آزمون دوباره و ۳۰ جملهٔ شخصی

CharbZaban.com

راه حفظ مؤثر

- هر واژه را در یک «قطعهٔ زبانی» یاد بگیرید: a piece of advice به‌جای advice به‌تنهایی.
- برای هر C، مفرد و جمع را با هم مرور کنید؛ برای هر U، یک واحد یا تعیین‌کننده را با هم مرور کنید.
- خطاهای خود را در دفتر جدا بنویسید و پس از ۱، ۳، ۷ و ۱۴ روز مرور کنید.
- در خواندن، تعیین‌کننده‌ها را علامت بزنید و استدلال کنید چرا نویسنده much/many یا is/are را انتخاب کرده است.
- در موارد تازه یا تخصصی، برچسب همان معنی را در یک فرهنگ لغت معتبر بررسی کنید.

> **جمع‌بندی**
>
> اگر فقط یک عادت را با خود ببرید، این باشد: واژه را همراه با الگویش یاد بگیرید. دانستن معنی کافی نیست؛ ساختار همان چیزی است که جمله را درست می‌کند.

پایان راهنما • تمرین منظم و استفاده در جملهٔ شخصی، مهم‌ترین بخش یادگیری است.

CharbZaban.com